

ترمیم کابینه کافی نیست، سیاست انقلابی لازم است

یونکری عسکراولادی و توکلی از وزارت جمهوری اسلامی ایران دو سال دیر انجام می شود

روند "بازی خوردن" و نیاختن تا کی ادامه خواهد داشت؟

این سوآلی است، که زحمتکشان میهن ما هر روز رساتر و همه گیر تر مطرح می کنند! آنها سوآل می کنند، که: چرا دولت اول انقلاب، دولت سرمایه دارها بود؟

چرا بنی صدرها و قطب زاده ها، مورد اعتماد واقع شدند و مسئولین درجه اول جمهوری را بازی دادند؟

چرا از همه این اشتباهات و بازی خوردن ها، هیچ آموخته نشد و قریب به دو سال سرنوشت وزارت بازرگانی و وزارت کار به عناصری سپرده شد، که حتی وابستگی خانوادگی آنها به کلان سرمایه داران محرز بوده است؟

زحمتکشان سوآل می کنند، چرا به هشتاد ارهای حزب توده، ایران، که بیش از یکسال و نیم پیش در مورد این افراد و نظرات انقلاب برانداز آنها داده شد، توجهی نشد؟

نشریات و اسناد حزبی ما اینباشته از مطالب متعدد در افشای این عناصر و لزوم طرد آنها از حاکمیت است. از جمله در جزوات متعدد پرش و پاسخ، همانند نهم فروردین و اول آبان ۱۳۶۱، اعلام کردیم، که "ضد انقلاب، با تروریسم

بقیه در صفحه ۲

راه توده

نشریه مبارزان حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۱۴ مرداد ۱۳۶۲ مطابق ۲۲ شوال ۱۴۰۲ و ۱۵ اوت ۱۹۸۲ سال دوم، شماره ۵۳ به شماره ۴۰۰ سال

شکنجه و کشتار زندانیان توده‌ای و ضرب و شتم و سرکوب زحمتکشان دوروی یک سکه است

که هدفشان این نبود که انقلاب شکوهمند بیمن تبدیل به یک انقلاب عمیق اجتماعی بنسود توده‌های کارگر و دهقان و دیگر قشرهای زحمتکش خلق شود، کم دست در دست دشمنان اولیه انقلاب گذاشتند و تمام نهاد های مهم حاکمیت را از مسلمانان صادق معتقد به عدالت اجتماعی تهی ساختند و روحانیونی، که "آیت منافح افشار بهره کش بود نه جانی آنها را تصاحب کردند" نه تنها در دولت و مجلس، بلکه در دستگاه قضایی و سپاه پاسداران و دیگر نهاد ها نیز بتدریج مواضع حساسی به دست دشمنان انقلاب افتاد. گرچه بسیاری از نشانه‌های این روند منفی از مدت ها پیش آشکار شده بود، ولی مردم که

بقیه در صفحه ۴

حال که حدود شش ماه از نخستین دستگیریها و چهار ماه از اعلام "انحلال" حزب توده، ایران، حزب طبقه کارگر ایران و آغاز بازداشت عمومی توده‌ایها میگذرد، دیگر برای هیچکس تردیدی باقی نمانده است، که حمله نا جوانمردانه و از قبل تدارک دیده شده بهره‌ری حزب توده، ایران و به کارگیری پاسداران انقلاب، همانند ساواکی ها، به عنوان آلت سرکوب مدافعان عدالت اجتماعی، به این منظور انجام شده، که تاوانی رهبران تسلیم طلب جمهوری اسلامی را برای تحقق وعده‌های خود بیوشاند و به اصطلاح گردنشان را از سوآلات و هشتاد و نه های حزب ما خلاص سازد.

آن بخش از رهبران حاکمیت جمهوری اسلامی

هیاهو بجای عمل

با گذشتن چند هفته از موج جدید با اصطلاح مبارزه "قاطع" با گرانی و گرانفروشی و احتکار، و تدارک "شعاری" و "منطقی" آن در روزنامه ها و دیگر رسانه‌های گروهی ج ۱۰-۱۰۰، و اعلام شیوه‌های این با اصطلاح مبارزه "قاطع"، باید این نتیجه منطقی را گرفت، که این موج جدید هم بدون دسترسی به اهداف اعلام شده، سپری خواهد شد. مبارزه قاطع" هم در جا خواهد زد. شاید عده‌های محترک و گرانفروش را هم در زیر پای خود "له" کند، اما حرکتی به جلو نخواهد داشت و مسئله گرانی و گرانفروشی راحل نخواهد کرد.

این هیاهو در شعار و در جا زدن در عمل، نتیجه منطقی یک دید نادرست از اصل مشکل گرانی است. گرانی ای که خود مولود یک "توطئه سیاسی" (نخست وزیر) براندازی جمهوری اسلامی ایران است. عاملان این توطئه، ضد انقلاب داخلی و خارجی و راستگرایان اند، که با استفاده از "نظام" اقتصادی شاهنشاهی، که آنها را پایمال کردن اصول مترقی و ریح مردمی قانون اساسی به جمهوری نو پا تحمیل کرده اند، با دست باز به اعمال موثر توطئه براندازی خود مشغولند.

این دید نادرست و فاجعه انگیز، بطور همگون و به عنوان پیش درآمد، در تمام نطق ها و مصاحبه‌ها و گفتگوهای مسئولانی، که پرچم "مبارزه قاطع" را با گرانی و محترکان بردوش می‌کشند، دیده می‌شود. این همگونی در بیان این دید نادرست، و همگونی بودن اعلام آن، مبین دید مشترک و برخورد یکسان آنها با این مسئله است.

دید نادرست مسئولان، که در سخنانشان و بقیه در صفحه ۱۱

محافل دمکراتیک بین المللی به پشتیبانی خود از حزب توده ایران ادامه می دهند

وحشیانه در مورد رهبران و اعضای حزب ما سر باز می‌زنند و همانند کارگزاران رژیم شاه، این اعتراضات در مورد نقض حقوق بشر را "مداخله در امور داخلی ایران"، تلقی میکنند. درجا نیکه آزاد بخوانان سراسر جهان، درخواست خود مبنی بر برگزاری دادگاههای علنی با شرکت ناظران بین‌المللی، برای مبارزینی که تنها جرم آنان، وقف زندگی و هستی‌شان در راه بهیبود وضع زحمتکشان بوده و هست، پافشاری می‌کنند، مسئولین مملکتی در ایران، خواب تشکیلی

بقیه در صفحه ۳

محافل دمکراتیک در سراسر جهان، بر - خواست اعزام هیأتی مرکب از پزشکان و حقوق دانان به ایران، جهت بازدید از زندانیان توده‌ای و بررسی وضع آنان از نزدیک، تأکید می‌کنند و مقامات جمهوری اسلامی ایران، از طریق نمایندگی های خود در خارج از کشور، بمنظور پرده پوشی بر راز جنایاتی که در شکنجهگاههای ایران اعمال میشود، از این خواست بحق نیسرو های مترقی سر باز می‌زنند.

آنان حتی از پذیرفتن نامه‌های اعتراضی افراد و سازمانهای دمکراتیک نسبت به اعمال روشهای

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

ترمیم کابینه کافی نیست، سیاست انقلابی لازم است

برکناری عسکراولادی و توکلی از وزارت جمهوری اسلامی ایران دو سال دیر انجام می‌شود

گرانفروشی و احتکار است، می‌باشد، بلکه بر سر شیوه حراست از آن است. در حالیکه عسکر اولادی‌ها و توکلی‌ها، در دفاع از نظام غارتگر سرمایه‌داری دو اسبه می‌تازند، تسلیم طلبان در روند عقب نشینی‌های خود از مواضع اولیه مردمی و ضد سرمایه‌داری و نظرات اقتصاد‌ی‌ای که به نظرات " شهید بهشتی " معروف شده‌اند، و هدف آن براندازی " سرمایه - داری وابسته و غیر وابسته " بود، به آن نیرو هایی تبدیل شدند، که نتیجه عملشان، چه بخواهند و چه نخواهند، چه اعتراف بکنند و چه نکنند، حد اکثر تعدیل بی‌بند و باری نظام غارتگر سرمایه‌داری است. هیچ هیاهو و شعاری در پسه اصطلاح دفاع از " مستضعفان " نمیتواند این واقعیت را بپوشاند.

تردیدی در این نیست، که در نبرد انقلابی برنده کسی است، که راه نشان می‌دهد، بسیاری دردها درمان واقعی دارد. وسط‌راه نمی‌ماند و نفسش بند نمی‌آید.

حزب ما با ازگه راه‌های عملی و انقلابی برای تمام معضلات کشور، و برای برون رفت از بحران کشنده " گریبانگیر انقلاب راه نشان داده است. پیروزی انقلاب بدون بکارگیری خرد و توان تمام نیروهای انقلابی و میهن دوست و مدافع استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، ممکن نخواهد بود.

اگر دولت آقای موسوی و مسئولان دیگر کشور می‌خواهند، که مردم ترک عسکر اولادی‌ها و توکلی‌ها را، ترک کشتی در حال غرق شدن تلقی نکنند، لازم است یک برنامه انقلابی به نفع زحمتکشان و علیه نظام سرمایه‌داری، از روی اعلام قاطعانه دنبال کنند. برنامه‌ای، که شرایط اولیه اجرای آن، در قانون اساسی جمهوری اسلامی و پیوسته در اصل ۴۴ آن و اصول بخش سوم آن در مورد حقوق و آزادی‌های دموکراتیک و قانونی ملت تثبیت شده است.

تحلیل ۲۶ اسفند ۱۳۶۱ حزب ما اعلام شد:

در واقع مانع بزرگ دولت برای حل بحران آن است، که هنوز برنامه روشن اجتماعی-اقتصادی ندارد و آن مسائل اجتماعی، که تا کنون در مجلس و دولت مطرح شده از چار چوب راه رشد سرمایه‌داری فراتر نمی‌رود. قوانینی هم که تدوین شده - چه آنها که تصویب شده و چه آنها که رد شده - از حدود قوانین معمول و گاه پیش‌پا افتاده کشورهای سرمایه‌داری خارج نبوده است. قانون اصلاحات ارضی، که با چنان شدت‌توری رد شده، یکی از عادی ترین قوانین اصلاحات ارضی کشورهای جهان سوم است، که نظایر آن در ده‌ها کشور تدوین و اجرا شده و در آن هیچ چیز ویژه‌ای وجود ندارد. قانون مالک و مستأجر همان قانون زمان رضا شاهی است و پیش‌نویس قانون کار که به دلیل خصلت آشکار ضد کارگری و عقب افتادگی وحشتناکش " بدیع " و " تازه " است، اساس آن همان قانون کار شاهنشاهی است.

همه علائم، به ویژه علائمی که در بحث درباره گرانی، به روشنی تظاهر می‌کند، از آن صحبت می‌کند، که دولت آقای موسوی برنامه مبارزه با نظام غارتگر سرمایه‌داری را در مقابل خود قرار نداده است، بلکه هر روز بیشتر و بیشتر به پرچمدار اجرای " رفم های نیم بند " در چهار-چوب نظام سرمایه‌داری، بمنظور حفظ این نظام، تبدیل می‌شود.

شایان دقت است، که این دولت و بخش‌های از حامیان آن تمام سعی خود را در جلب موافقت کلان سرمایه‌داران بازار، برای اجرای این رفم‌ها بکار می‌برند و عملاً به مدافع " واقع بین " این نظام سرمایه‌داری طفیلی تبدیل می‌شوند. فاصله گرفتن از عسکر اولادی‌ها و توکلی‌ها را هم باید در این چارچوب دید. دعوا با ایمن عناصر، نه دعوا بر سر ابقا و یا عدم ابقای نظام سرمایه‌داری، که مادر گرانسی و

سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سیاست ناراضی تراشی خود را با شدت و بی‌گیری دنبال می‌کند.

افشا کردیم، که سر نخ این ناراضی تراشی، از جمله در وزارت بازرگانی آقای عسکر اولادی و وزارت کار آقای توکلی قرار دارد:

" در باره تروریسم اقتصادی باید گفت که آن قدر عیان است، که حاجتی به بیان ندارد. در تمام زمینه‌های اقتصادی، در بخش تولید صنعتی، در بخش تجارت خارجی، در بخش غارت مردم به وسیله احتکار و گران فروشی بخش خصوصی، در بخش توزیع داخلی، که بوسیله خود دولت اداره می‌شود - در همه این بخش‌ها تروریسم اقتصادی مشغول کار است و هدفش هم این است، که با ایجاد مصنوعی فشارها و تنگناهای اقتصادی برای توده‌های مردم، پیوسته کارگران، آن‌ها را عاصی و عصبانی کند ... "

همچنین هشدار دادیم، که " اطاق بازرگانی " مورد حمایت آقای عسکر اولادی، به مرکز توطئه سرمایه‌داری تبدیل شده است، که " بسا یک تلفن صد میلیون تومان غارت می‌کند " و تنهاسا تقاضای با گذشته آریامهری " کمی ریش است. " حزب ما توکلی را به عنوان یک سرمایه - دار زاده افشا کرد. حزب ما بارها اعلام کرد، که این امر برای دولتی که میخواهد از انقلاب " کج نشینان علیه کاخ نشینان " نشأت بگیرد، ننگ است، که وزیر کار آن، نه از کارگران انقلابی، بلکه یک سرمایه‌دار زاده باشد، که در کارگزار - ستیزی زیانزد خاص و عام است و پیش‌نویس قانون کار ضد کارگری‌ای را تنظیم کند، که فقط به علت روح عمیقاً ضد کارگری و توهین آمیز آن به کارگران و " مال الاجاره " نامیدن آنان و همچنین به خاطر عقب افتادگی وحشتناکش " بدیع " و " تازه " باشد و فرزند خلف قانون کسار شاهنشاهی از آب در آید.

با توجه به این تاریخچه کوتاه است، که باید نسبت به نتایج این برکناری‌ها با شک و احتیاط برخورد شود. هنوز معلوم نیست، که چه کسانی کرسی‌های خالی شده را تصاحب خواهند کرد و در خدمت چه سیاستی قرار خواهند داشت.

این واقعیت، که هنوز همفکران عسکر اولادی و توکلی کرسی‌های دیگری را از همین دولت در اختیار دارند، و از جمله سیاست خارجی جمهوری اسلامی را با همان روح سیاست قطب زاده‌ای ادامه می‌دهند، نمی‌توان برای این جابجائی‌ها نقش تعیین کننده‌ای در تخمین کلی سیاست دولت قائل شد.

شایان توجه است، که دولت فاقد یک برنامه روشن و عملی و انقلابی بمنظور بیرون بردن انقلاب در حال سقوط، از بحران و برای تخییلات بنیادی به نفع زحمتکشان است، و همانطور که در

قانون شکنی به شیوه رسمی تبدیل می‌شود!

علت دگراندیشی ممنوع اعلام می‌کند، از خانواده های دانشجویان درباره ارتباط فرزندانشان با تودهای سوال می‌کنند.

ما این اقدامات قانون شکنانه را قویا محکوم می‌کنیم و قطع فوری آنها می‌طلبیم. این قانون شکنی راه بجایی نخواهد برد، همانطور که در زمان رژیم سلطنتی - ساواکی، راه بجایی نبرد! تودها، به دیگر آزاد اندیشان به راه خود استوار ادامه خواهند داد!

بر اساس اخباری که از طرف دانشجویان مرفی و طرفدار انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی میهن ما بدست ما رسیده است، وزارت علوم و آموزش عالی ج ۱۰۱۰ با احضار والدین دانشجویان و ایجاد مزاحمت برای آنان به تفتیش عقاید می‌پردازد و آنها را مورد تهدید قرار می‌دهد.

این مقامات با زیر پا گذاشتن آشکار و خشن قانون، پیوسته اصل ۲۳ قانون اساسی، که " تفتیش عقاید " و " تعرض و مواخذه " را به

محافل دمکراتیک بین‌المللی به پشتیبانی از حزب توده ایران ادامه می‌دهند

بقیه از صفحه ۱

"دادگاه"، بدون حضور وکیل مدافع و ناظران بیطرف بین‌المللی را برای قربانیان خود می‌بینند اما مردم ایران و جهان، باین توطئه‌ها واقفند. آنان خوب میدانند که حتی لفظ اعلام تشکیل "دادگاه" از جانب شکنجه‌گران، تنها در اثر ناپاوری مردم میهن ما و فشار افکار عمومی مترقی بین‌المللی بوده است و این فشار هر روز بیشتر می‌شود. مقامات مسئول ج ۱۰۱۰ باید بدانند که هرگز نمیتوانند، آنطور که تصور کرده‌اند، تا ابد از جناياتشان را در پسرده نگاهدارند.

مردم آزاد بخواه جهان، یکصدا، برای نجات جان تودهای‌های مبارز تلاش می‌کنند. و این تلاش‌ها، در خیمانی را که با زندانی و شکنجه کردن رفقای ما، انتقام خود را از زحمتکشسان ایران می‌گیرند، مجبور خواهد ساخت که بشکست نهائی خود در این نبرد نابرابر، اعتراف کنند.

آزادیخواهان جهان، تأثیر و اثر جار خود را از شنیدن خبرهای واصله در مورد رفیق مریم فیروز ابراز می‌دارند!

خبر بازداشت و شکنجه رفیق مریم فیروز عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران و "مسئول تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" تأثیر و نفرت دمکراتهای جهان را برانگیخته است.

تاریخچه زندگی این زن پیکار جو، که سمبلی از مبارزات زنان میهن ما می‌باشد، سراسر معلو از مبارزه علیه استعمار و استبداد و بخاطر بهبود زندگی زنان زحمتکشی ایران بوده و سالیان محکومیت، در بدری و مهاجرت اجباری وی بخاطر پیشبرد اهداف ولای انسانی، در تاریخ مبارزات زنان ایران، بی‌همتا است.

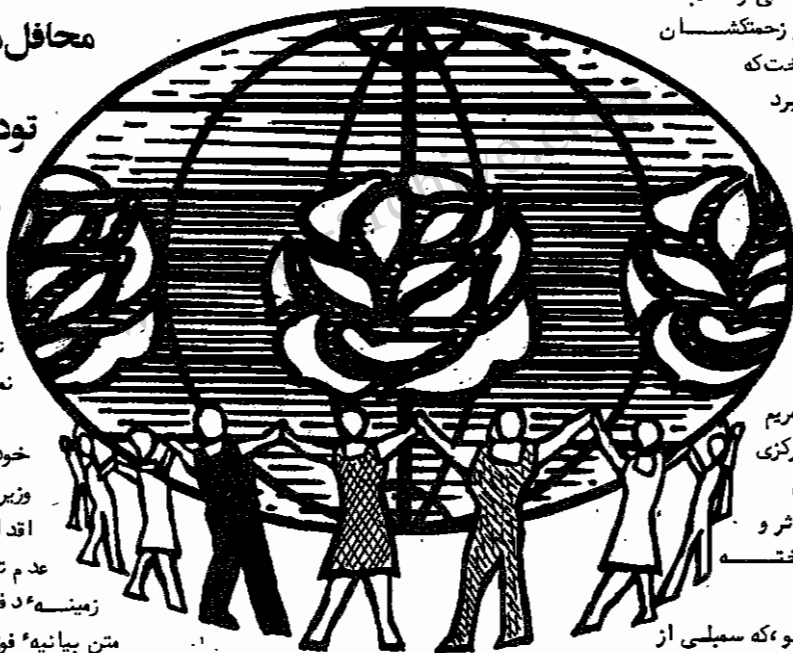
در زیر گوشه‌هایی از اعتراضات محافل مترقی بین‌المللی به اعمال روشهای وحشیانه در مورد وی و سایر زنان همزمنش، برای اطلاع خوانندگان عزیز "راه توده" درج می‌گردد:

خانم کاتک موخارچی، نماینده پارلمان هندوستان و خانم ویلارا نادایو، نایب رئیس "انجمن دمکراتیک سراسری زنان هندوستان"، در بیانیه‌ای که در مطبوعات این کشور انتشار یافت، دستگیری و شکنجه مریم فیروز را شدیداً محکوم و آزادی بلادرنگ وی را خواستار گردیدند.

● خانم سوشیلا گوپال، نماینده پارلمان و دبیر

کل "انجمن دمکراتیک سراسری زنان هندوستان" و خانم منجوری گوپتا، رئیس "انجمن" در تاریخ دوم ژوئیه (یازدهم تیرماه)، طی مخابره تلگرافی به رهبری ج ۱۰۱۰، خواستار آزادی فوری مریم فیروز شده‌اند.

● گروهی از اعضای "انجمن دمکراتیک سراسری زنان هندوستان" و از جمله خانم ویلارا نادایو، نایب رئیس "انجمن"، ضمن تماس تلفنی با سفارت ج ۱۰۱۰ در دهلی نو، خواستار ملاقات با سفیر ایران و مذاکره پیرامون چگونگی وضع مریم فیروز و سایر فعالین "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" که در زندان بسر می-



برند، گردیدند. سفیر ج ۱۰۱۰ از ملاقات با این گروه سرباز زد.

○ روزنامه "جانا سکتی" (قدرت مردم)، که به زبان محلی تامیل، در مدرس چاپ میشود، در تاریخ دهم ژوئیه ۸۳ (نوزدهم تیرماه ۶۲)، طی مقاله‌ای تحت عنوان "آیا مریم فیروز بقتل رسیده است؟"، همراه با چاپ عکسی از وی، در باره چگونگی بازداشت این رفیق و سکوت مطلق حکومت در باره وضعیت وی، شرح مبسوطی نوشته و از اینکه زن مبارزی، پس از سالیان دراز مبارزه و ایثار در راه احقاق حقوق زنان زحمتکش ایران، در سن هفتادسالگی به زندان و شکنجه گرفتار آمده است، ابراز انزجار و تفر می‌نماید. ضمناً در شهرهای مختلف هندوستان، روزنامه‌های محلی، دست به انتشار مربوط به دستگیری و شکنجه مریم فیروز و سایر فعالین "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" زده و دربارهٔ مه-

بودن سرنوشت او ابراز نگرانی کرده‌اند.

● خانم رویی، دبیر کل سازمان زنان محلی شهر بیپال، وابسته به "فدراسیون ملی زنان هندوستان"، در تاریخ اول ژوئن (یازدهم خرداد ماه)، بیانیه‌ای صادر کرده است که در آن ضمن محکوم نمودن اعمال روشهای غیر انسانی در مورد مریم فیروز و سایر مبارزین در هند، آزادی فوری آنان را خواستار گردیده است. ضمناً سازمان فوق در تاریخ سوم ژوئیه (۱۲ تیر ماه) میتینگ اعتراضی بدین منظور برپا نمود. زنانی که در میتینگ شرکت داشتند، مصراحتاً خواستار آزادی مریم فیروز و سایر فعالین، بازداشت شده "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" گردیدند.

محافل مترقی هندوستان، تلاش برای نجات جان مبارزین توده‌ای را گسترش می‌دهند

یازده سازمان جوانان و اتحادیه دانشجویی هندوستان، در تاریخ یازدهم ژوئیه (بیستم تیرماه) طی بیانیه‌ای که منتشر ساخته‌اند، شکنجه و آزار و قتل رهبران حزب توده ایران را شدیداً محکوم نمودند.

سازمانهای فوق، در بیانیه مشترک خود، از خانم ایندیرا گاندی، نخست وزیر این کشور درخواست کرده‌اند، که اقداماتی را در سطح رهبری جنبش عدم تعهد و کشورهای غیر متعهد، در زمینه دفاع از زندانیان توده‌ای، بعمل آورد متن بیانیه فوق در روزنامه‌های کثیرالانتشار هندوستان درج گردیده است.

● کنفرانس انجمن نویسندگان مترقی ایالت همالچال برادش، که در روزهای پنجم و ششم ژوئیه (۱۴ و ۱۵ تیرماه) در شهر سیملا، برگزار گردید، قطعنامه‌ای صادر کرد که در آن ضمن محکوم کردن بازداشت و شکنجه نویسندگان توده‌ای و سایر نیروهای میهن پرست، خواستار آزادی آنان، و نیز اعزام هیاتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان بین‌المللی به ایران جهت بازدید از زندانیان و بررسی وضع آنان از نزدیک گردیده است.

● نشریات مترقی هندوستان در ماه گذشته، بتفصیل به درج مقالاتی در زمینه رویدادهای اخیر ایران و شکنجه‌های وحشیانه‌ای که منجر به مرگ عده‌ای از کادرهای رهبری حزب توده ایران گردیده است، نمودند. بقیه در صفحه ۵

شکنجه و کشتار زندانیان توده‌ای و ضرب و شتم و سرکوب زحمتکشان دوروی یک سکه است

بقیه از صفحه ۱

های جمهوری اسلامی ایران، حتی بدتر از زمان شاه با شکنجه و انواع دیگر فشارهای جسمی و روحی، زندانیان سیاسی را و امیدارند آنچه را که خواست شکنجه‌گر است، بر زبان آورند. یکی باید بگوید که تمام عمر را "جاسوس" بوده است، دیگری باید "چپ" و "الحاد" را عامل شکست جنبش‌های ضد استعماری مردم ایران معرفی کند، سومی مارکسیسم را ایدئولوژی بی‌بند و سرپیچی در "آموزشگاه اوین" بی‌بند و سرپیچی اما این رفتار شرم آور و زشت، تنه‌ها در زندان و با زندانیان توده‌ای، فدائیان و مجاهد صورت نمسی گیرد؛ در خارج از زندان، با خود زحمتکشان هم بهمین شکل رفتار می‌شود.

از حوادث ناگوار کوی افسریه هنوز چند روزی پیش نگذشته است. نخست در گرمای سوزان تابستان، آنهم در ماه رمضان، برق و آب اهالی را قطع کردند و سپس در مقابل اعتراض نومیدانه مردم زحمتکش، که فرزندان خردسالشان تشنه لب می‌سوختند همان "پاسداران" کذابی را بجانشان انداختند. ببینید خود آقای نخست‌وزیر در این باره چه می‌گوید:

"در ... قطع آب و برق افسریه ... چند عامل از جمله سوء مدیریت از سوی برخی از مسئولین آب و استفاده گسترده غیر مجاز از برق توسط عده‌ای از مردم، دست به دست هم داده و در این میان عده‌ای ضد انقلاب و از اینسین گروهکهای نوکر خواستند از موضوع استفاده کنند."

دانش رنج

تن شود شسته به آب
جان ولی با آتش
صل از واژه شاداب رهایی خوردن
حاصل دانش رنجیست که جان را خورد هست.
مسا که جان در قدح خورشیدیم
شویه سوختن آموختن خود دیدیم
ما که در آزادی، شادی را می‌جوئیم
عطر شادابی گل را
سرخاری که شکسته ست زخون، می‌بینیم
و به هشیاری دورانی خود می‌دانیم؛
گذر از شانه توفانی راه تاریخ
کار خس نیست.

پنجه در پنجه، آتش، رقصان،
ریشه در خط زمان باید برد
بار را به که به اندازه هر شانه کشید؛
در طلوع دریا،
شبنم پیشانی
می‌شود مروارید.

ولی طبیعی است که ملت بزرگ ما و دولت انقلاب اسلامی قدرت آنرا دارد که این تحریکات را در نطفه خفه کند.

دیده می‌شود که مانند دوران شاه همان سیاست سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات مردم، با استفاده از قوه قهریه در پیش گرفته شده است. تنها تفاوت اینست که در آن موقع طبقات غارتگر توده‌های مردم را بنام "مصلح عالیله ملی" سرکوب می‌کردند و اینک زیر عنوان "مصلح انقلاب اسلامی".

حاکمیت جمهوری اسلامی، که به اهداف توده‌های زحمتکش پشت کرده و بیشتر و بیشتر به بیابانگ منافع کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمین‌داران و دیگر غارتگران اجتماعی تبدیل می‌شود، لاجرم برای حفظ خود به همان دستگاه‌های تضییق و فشار و همان شیوه‌های حکومت‌شاه نیاز دارد و شکفت انگیز نیست اگر "سواوا" وجود آورده باشد.

اکنون بیش از هشت هزار زندانی توده‌ای، در زندانهای جمهوری اسلامی بستمیرند. بهنگام این بازداشت‌ها خون از دماغ یک پاسدار جباری نشده ولی همه زندانیان در بدترین شرایط، زیر شکنجه‌های قرون وسطایی و مدرن و انواع ترور روحی و جسمی قرار دارند و برخی از آنان چنان خود را از دست داده‌اند.

در زندان‌های جمهوری اسلامی ایران صحبت از قانون و رعایت موازین اخلاقی و انسانی نمی‌تواند در میان باشد. ساواک‌های در خدمت جمهوری اسلامی هیچگاه معتقد به این چیز نبودند و قشریها و حکام شرع نیز که به نام "اسلام" از منافع غارتگران حفاظت می‌کنند به هیچ قانونی بجز آنچه که دلشان می‌خواهد پای بند نیستند؛ بخصوص که برای آنان تجاوز به جان و مال و ناموس هر دگر اندیش مجاز است. بنا بر این، در شرایط کنونی دفاع از زندانیان سیاسی ایران، بطور اعم و زندانیان توده‌ای بطور اخص وظیفه‌ای پس‌دشوار و بخرنج است.

موج وحشتناک ترور روانی و شانتاژ عقیدت‌سی حتی تک و توك مسلمانان شریف باقیمانده در رهبری را نیز وادار به سکوت و یا تأیید ضمنی اعمال جنایتکاران کرده است. بدین جهت، باید در خارج از کشور تمام امکانات را بکار گرفت تا موج همبستگی با زندانیان سیاسی ایران هر چه وسیعتر شود و جنایتکاران بقمند، که در سراسر جهان میلیونها چشم‌ناظر اعمال زشت آنانست.

ضمناً در داخل کشور باید با قدرت هرچه تمامتر به دفاع از منافع توده‌های زحمتکش خلق برخاست، زیرا سرنوشت ما توده‌ایها با سرنوشت کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان بهم‌گسره خورده است.

خلق اگر پیروز شود فرزندان زندانی خود را نیز نجات خواهد داد.

لا لائی "دفاع از مستضعفان"، "عدل و قسط اسلامی"، "سندیت دستهای پینه‌بسته" دهقانان برای مالکیت زمین و نظایر آن هنوز در گوششان بود، نمی‌توانستند باور کنند، که صحبت از یک چرخش قطعی به راست است در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است. اکنون دیگر بسیاری از کارگران و دهقانان این واقعیت را با تجربه عملی روزانه خود درک می‌کنند و موج دریافت واقعیات هر روز قشرهای وسیعتری را در بر می‌گیرد.

همین زندانیان عزیز توده‌ای ما هم آماده بودند، که حاکمیت اگر کارهایش از روی بی‌تجربگی و ندانم کاری است از روی نعش آنان بگذرد، ولی به سیاست ضد امپریالیستی و شعارهای اولیه انقلاب: استقلال، آزادی و عدالت - اجتماعی پای بند ماند.

اینک حاکمیت جمهوری اسلامی ایران از روی نعش توده‌های ما می‌گذرد تا حق کارگر را پایمال کند، زمین به دهقانان ندهد، و نظام بهره‌کشی و غارتگری را، بخیال خود ابدی نماید.

حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، دوستان خلق را به بند می‌کند، زیرا از آزادی و عدالت اجتماعی رویگردان شده است. او دست به شوروی ستیزی زد، زیرا چراغ سبز را برای امپریالیسم آمریکا توسط عمالش در منطقه (پاکستان و ترکیه) و متحدانش در جهان (ژاپن، آلمان غربی و انگلستان) روشن کرده است.

این واقعیات اکنون مانند روز روشن است. بازداشت و شکنجه هزاران توده‌ای و تدارک قتل گروهی از بهترین و شایسته‌ترین فرزندان خلق بمنظور در بند کشیدن توده مردم و خیانت نهایی به انقلاب است و بیس!

علائمی حاکی از اینکه در زندانهای جمهوری اسلامی ایران، شکنجه مورد استفاده قرار می‌گیرد، خیلی پیش از هجوم به حزب توده - ایران پدید آمد. در آنروزها حتی خود رهبران حاکمیت مجبور شدند بظواهر کسانی را مأمور بررسی این شایعات کنند. البته از این تحقیقات نتایج حاصل نشد، زیرا اولاً اینگونه اعمال بدون اطلاع سران حاکمیت صورت نگرفته بود و ثانیاً نام آنها را "تعزیر اسلامی" گذاشته بودند، تا اگر کسی پرسید "چرا فلان زندانی را شلاق زد ما بهد؟" پاسخ دهند، چون که در زندان دروغ گفته بود، مطابق "موازین اسلامی" و بدستور حاکم شرع زندان "تعزیر" شده است!

بعدها که، شکنجه‌گران "ساواک" را نیز بیه خد مت فراخواندند، این "تعزیر اسلامی" بسا "شکنجه‌های آمریکائی" ترکیب شد و چیزی از آن حاصل گردید، که آبرو و حیثیت سران جمهوری اسلامی را در همه کشورها بیاد داد. دیگر در دنیا کسی نیست، که نداند در زندان

محافل دمکراتیک بین المللی به پشتیبانی خود از حزب توده ایران ادامه می دهند

بقیه از صفحه ۳

انعکاس موج همبستگی با زندانیان توده‌ای، چه در روزنامه‌های کثیرالانتشار و چه در روزنامه‌هایی که بزبان محلی ایالت‌های مختلف این کشور به چاپ می‌رسد، تشادند هنده* ابعاد وسیعی است که دفاع از مبارزین در بند در میان افکار عمومی مرفقی، کسب کرده است. از جمله، روزنامه "ما هاراشترا هرالده" در تاریخ شانزدهم ژوئیه (۲۵ تیرماه)، اخیر شهادت رفیق گانگیک آوانسیان را بدنیال شکنجه‌های وحشیانه درج نموده و در رابطه با آن، به خطری که جان بقیه رهبران حزب توده ایران را تهدید می‌کند، اشاره کرده است. در پایان خبر، مسأله فوری در مورد دفاع از جان زندانیان که همانا کوشش برای اعزام هیأتی بین‌المللی به ایران، جهت دیدار از زندانیان و بررسی وضعیت جسمی و روحی آنان است، تصریح گردیده است.

● مجله هفتگی "عصر جدید" چاپ هند، شماره ۲۲، خبر مربوط به اعتراضات وسیع سازمانها و احزاب دمکراتیک، نسبت به دستگیری و شکنجه وحشیانه رهبران حزب توده ایران را مفصلاً درج نموده است.

از جمله این سازمانها، "سازمان سراسری صلح و همدردی هندوستان" است، که آزادی فوری مبارزین توده‌ای را خواستار گردیده است.

حزب کمونیست کانادا تضییقات وارده بر حزب توده ایران و اعضاء آن را محکوم می‌کند!

کمیته اجرائی مرکزی حزب کمونیست کانادا، طی نامه‌ای به رهبری انقلاب، بازداشت و شکنجه رهبران حزب توده ایران، بویژه رفیق نورالدین کیانوری و نیز سایر اعضای حزب را محکوم کرده و اتهامات واهی وارده بر آنان را با اتهام ساختگی آتش زدن رایشستاگ (آلمان) که از طرف نازیها به کمونیستها نسبت داده شده، تا بدین ترتیب دست پلیس هیتلری را در قلع و قمع آنان باز کند، مقایسه نموده است. کمیته اجرائی مرکزی حزب کمونیست کانادا، نظر خود را در مورد "اعتراضات" رهبران حزب توده ایران بدین شرح بیان داشته است: "ما همگی، روشنائی را، که در اثر اعمال آنان کوشش میشود، انسانهای بیگناه را در اذهنان مردم مجرم بنمایانند، می‌شناسیم و از اینکه دستهای ساواک شاه، دوباره بکار گرفته شده است، متأسفیم."

در بخش دیگری از نامه اشاره به این مطلب می‌رود که محافلی در حاکمیت ایران، با تلاش در تشدید جو ضد کمونیستی، قصد تحکیم مجدد پایگاه‌های امپریالیسم را در کشور دارند و در چارچوب این توطئه است، که حمله به حزب توده ایران و رهبران و اعضاء آن انجام می‌گیرد و

جهان، به تضییقات وارده علیه حزب توده ایران که مخالف صریح قانون اساسی جمهوری در مورد آزادی فعالیت قانونی احزاب است، شدیداً اعتراض می‌نماید.

کمیته اجرائی مرکزی، سپس با اشاره به نقشی که حزب توده ایران در سالهای پس از انقلاب بهمن، در مقام دفاع از حقوق زحمتکشان و تحکیم انقلاب در ایران ایفا نموده از یکسو و کوششهای امپریالیسم آمریکا بخاطر بشکست کشاندن انقلاب از سوی دیگر، خواستار رفع تضییق فوری از حزب توده ایران گشته، تا این حزب اهداف خود را بمنظور تشکیل جبهه متحدی از نیروهای راستین هواداران انقلاب، جهت در هم کوبیدن توطئه‌های آمریکا و تحکیم انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی ایران به پیش برد.

حزب کمونیست کانادا، یکبار دیگر اعتراض شدید بقیه در صفحه ۷

همه این اعمال، اگر ادامه پیدا کند، فاجعه اسفناکی برای انقلاب ایران و مردم قهرمان این سرزمین که بخاطر استقلال و آزادی، اینهمه قربانی داده‌اند، بیار خواهد آورد.

کمیته اجرائی مرکزی حزب کمونیست کانادا، مصراً آزادی رفیق کیانوری و سایر توده‌ایهای در بند را خواستار گردیده است.

● کمیته اجرائی مرکزی حزب کمونیست کانادا، طی نامه‌ای، بتاريخ سیزدهم ژوئیه، بیست و دوم تیرماه، خطاب به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران، همصداً با نیروهای مرفقی سراسر



کنفرانس انجمن نویسندگان مرفقی ایالت همجال پرادش در همبستگی با توده‌ای‌های در بند

آزادی برای مریم فیروز و سایر زنان دگراندیش در ایران

"سبزها" (طرفداران محیط زیست که در پارلمان آلمان فدرال، نماینده دارند) و سازمان محلی آن در بن • حزب کمونیست آلمان در بن • اتحادیه مدارس عالی خارجیهای دانشگاه بن • سازمان جوانان سوسیال دمکرات بن • گروه جوانان سوسیالیست مدارس عالی در دانشگاه بن • اتحادیه دانشجویان مارکسیست اسپارتاکوس در بن • کمیته آمریکای مرکزی در بن • کمیته فلسطین - لبنان در بن • اتحادیه سوسیالیستهای مدارس عالی دانشگاه بن • جوانان سوسیالیست آلمان در بن • جوانان کارگر سوسیالیست آلمان در بن • فدراسیون اتحادیه‌های کارگران ترکیه در آلمان • انجمن دوستی جمهوری فدرال آلمان و کوبا، شعبه بن • هواداران تشکیلات دمکراتیک زنان ایران • بن

در پایان بیانیه، طی فراخوانی، همبستگی افکار عمومی مرفقی با مبارزین زندانی خواستار گردیده است.

بیانیه‌ای تحت عنوان "آزادی برای مریم فیروز و سایر زنان دگراندیش در ایران"، با اعضای ۱۹ سازمان مرفقی، در بن انتشار یافته است. اعضا کنندگان این بیانیه ضمن برشمردن تاریخچه مبارزات مریم فیروز، در دوران خفقان حکومت شاه، تا انقلاب پیروزمند بهمن ۱۳۵۷ و پس از آن، به نقش وی در بسیج زنان برای بنده بست آوردن برابری و برقراری عدالت اجتماعی و مبارزه علیه استعمار و استثمار اشاره کرده‌اند. آنها خطری را که جان وی را تهدید می‌کند، افشا می‌کنند و به تشریح وضع مشابهی که سایر زنان مبارز و دمکراتها، در سیاهچالهای جمهوری اسلامی بدان گرفتارند، پرداخته و در خاتمه آزادی بلاد رنگ مریم فیروز و کلیه زنان و مردان مبارز زندانی را خواستار گردیده‌اند. اعضا کنندگان بیانیه بقرار زیرند:

● سازمانهای ضد فاشیستهای آلمان، بخش بن • کمیته همبستگی با شیلی در بن • مجمع زنان دمکرات آلمان در بن • شورای مرکزی حزب

"آمریکازدائی"، ادعائی!

مسئله مناسبات میان جمهوری اسلامی ایران و ترکیه، یکی از مسائلی است که اذهان همه میهن پرستان را بخود مشغول ساخته، و گسترش بیش از حد آن نگرانی تمام انقلابیون و مطلعان از وضع ترکیه را برانگیخته است.

چنان که میدانیم، ایران روابط گسترده اقتصادی و سیاسی با ترکیه برقرار کرده است و مقامات مسئول جمهوری اسلامی اغلب از ترکیه به عنوان کشور "برادر و مسلمان" نام می‌برند.

آقای میرحسین موسوی نخست وزیر، نیز اخیراً هنگام تشریح سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دیدار با وزیر خارجه نیجریه، اظهار نظر نگرانی‌آوری در باره این روابط کرده است.

آقای نخست وزیر معتقد است که گویا:

"قبل از انقلاب روابط ما با ترکیه و پاکستان تقریباً محدود و محصور به یک معاهده نظامی به نام سنتو بود. سنتو یک پیمان آمریکایی بود که برای آمریکا و حفظ آمریکائیها در منطقه تشکیل و اجرا شده بود. طبق گفته خود نخست وزیر میزان مبادلات تجاری میان ایران و این دو کشور به ۱۰ میلیون دلار در سال نمی‌رسیده اما در سال جاری به ۲/۵ میلیارد دلار خواهد رسید" و به نظر آقای نخست وزیر گویا این روند در نتیجه اعمال سیاست همکاری و معاوضت بیشتر با کشورهای جهان سوم است که از اصل "نه شرقی، نه غربی" نشأت می‌گیرد.

آقای موسوی در همین گفتگو ادعا کرده

است که این نوع مناسبات با کشورهای جهلسوم (آنهم از این دست!) باعث کاهش وابستگی میهن ما به کشورهای استکباری خواهد شد. (رجوع شود به اطلاعات ۲ مرداد ۶۲)

آقای نخست وزیر می‌داند و باید بداند که فروپاشی پیمان سنتو تنها در پی سرنگونی رژیم شاه و پیروزی انقلاب در ایران علی‌شده و نظام‌هایی که در دو کشور مذکور ترکیه و پاکستان حاکم بودند، یا دست نخورده باقی ماندند و یا مثل ترکیه که کودتای آمریکائی در آن رخ داد و بقولسی "آمریکائی تر" شد.

آقای نخست وزیر می‌داند که مثلاً ترکیه تنها به کمک کشورهای سرمایه‌داری غرب قادر است سرمایه‌داری و اقتصاد بیمارش دچار ورشکستگی کامل نگردد؛ با وجود چنین اظهار نظری کند!

اخیراً اعلام شد که "ترکیه از سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷)، حدود ۳ میلیارد و ۸۶۹ میلیون دلار کمکهای ویژه از کشورهای امپریالیستی دریافت کرده است؛ و نیز اعلام شد که "آمریکا و ناتو به ژاپن توصیه کرده‌اند که به کمک‌های خود به ترکیه بیافزاید. میدانیم که ترکیه عضو ناتو است و به عنوان "سپر دفاعی ناتو در جنوب" تلقی میشود (اطلاعات ۲۸ تیرماه ۶۲).

کمک ژاپن به ترکیه را ناظرین سیاسی، کمک و حمایت از ناتو تلقی کرده‌اند و این واقعیت را باید در چارچوب روابط ایران و ژاپن نیز مورد بررسی جدی قرار داد.

آقای نخست وزیر میدانند که ترکیه از نظر تعداد افراد نیروهای مسلح در ناتو، پس از آمریکا، در مقام دوم قرار دارد. این نیروها، با هزینه کمتر و بدون مداخله مستقیم آمریکا، همان اهداف آمریکا را در منطقه پیاده میکنند.

آقای نخست وزیر میدانند که برای آمریکا امکان تسلط بر خاور میانه بدون مشارکت و همکاری ترکیه در این زمینه قابل تصور نیست.

این اظهار نظرها و یا بهتر است گفته شود، افشاگریها در باره ماهیت ترکیه، که مقامات مسئول جمهوری اسلامی از آن به عنوان کشور "دوست و برادر" نام می‌برند، از مطبوعات تودهای و یا کارگری و کمونیستی گرفته نشده است، تا برچسب "تبلیغات سوء" علیه "کشورهای مسلمان" پمان زده بلکه نشریه کویتسی مسوت الخلیج آنرا منتشر ساخته و روزنامه اطلاعات نیز ترجمه آنرا در شماره دوم مرداد ماه خود، در همان شماره‌ای که آقای نخست وزیر این اظهارات را کرده است، با تیتیر درشت "ترکیه ژاندارم تازه آمریکا در منطقه" چاپ کرده است!

در وابستگی صد در صد ترکیه به آمریکا نمی‌شود شک کرد. این وابستگی تنها وابستگی نظامی نیست، و چنانکه پیش از این گفتیم این وابستگی بعد اقتصادی نیز دارد و ترکیه تنها با "کمک اقتصادی" کشورهای امپریالیستی روی پا بند است.

با دانستن این حقیقت، که آقای نخست وزیر نیز مطمئن از آن با خبر است، میتوان به عبار ادعای وی پی برد.

ادعای کاستن از وابستگی میهن ما به کشورهای استکباری، که گویا از طریق ایجاد روابط با ترکیه باید انجام گیرد، ادعایی توخالی بیش نیست. این رابطه نه تنها از وابستگی کشور ما به کشورهای امپریالیستی - که متأسفانه در حال تعمیق است نخواهد کاست، بلکه از طریق واسطه‌هایی چون ترکیه و پاکستان و امثالهم ادامه خواهد یافت.

تعبیر سیاست "نه شرقی، نه غربی" حاکم بر نظریات اکثر مقامات مسئول جمهوری اسلامی را میتوان "نه شرقی، بلکه غربی" دانست؛ زیرا نه ترکیه "نه غربی" است، نه پاکستان و نه اغلب کشورهای از قبیل برزیل که در صنایع مناسبات اقتصادی با ایران قرار دارند، ولیست آنها روز بروز درازتر می‌شود!

ادعاهای مقامات جمهوری اسلامی ایران درباره کسب استقلال اقتصادی از طریق برقرار ساختن روابط با کشورهای "جهان سوم"، و بی‌تبعیت از سیاست "نه شرقی و نه غربی" شان نیز همانند سایر ادعاهایشان، توخالی از آب درآمد!

به آقای نخست وزیر باید گوشزد کرد که نمیتوان با دوستان آمریکا در منطقه "آمریکازدائی" کرد. گسترش روابط با کشورهای نظیر ترکیه و پاکستان، دعوت آمریکا به ورود به ایران از طریق پنجره است!

مداخله مداوم

سیاست خارجی یک کشور را اغلب ادامه سیاست داخلی آن تعریف کرده‌اند. و نیز افزودند که سیاست خارجی یک کشور نمیتواند بطور کلی از سیاست داخلی آن کشور نشأت نگیرد، و کلاً این دو جنبه از سیاست یک کشور نمیتوانند در کل خود، محتوای متضادی را عرضه کنند.

در جمهوری اسلامی ایران نیز وضع بدین منوال است. تمام پدیده‌های انحصار طلبی، خود محور بینی و تحمیل نظر که بر بینش و روش بسیاری از دست‌اندرکاران در حاکمیت ج ۱۰۱۰ حکم فرما بوده و هست بازتاب خود را در سیاست خارجی کشور یافته و در حال تشدید است. برای اثبات این مدعا، می‌توان نمونه‌های زیادی از مطبوعات و گفته‌های مقامات رسمی حاکمیت ارائه داد.

چنانکه میدانیم چندی است مذاکراتی میان

پاکستان و افغانستان، تحت نظارت سازمان ملل متحد، به منظور یافتن راه‌حلهای سیاسی برای مسائل پیرامون افغانستان در جریان است.

این مذاکرات پس از مدت‌ها کوششش دولت افغانستان و یاری تمام دوستان و متحدان آن در جهان، به پاکستان تحمیل شد. انجام این مذاکرات را میتوان پیروزی بزرگی برای جمهوری دموکراتیک افغانستان دانست و گامی درست در جهت حل مسئله.

دولت افغانستان بارها اعلام کرده است که خواهان شرکت ایران، به عنوان یکی از کشورهای ذریعط در مسائل پیرامون افغانستان، در این مذاکرات و یا انجام مذاکرات مشابه با ایران است.

اما دولت جمهوری اسلامی ایران، که پس از برکناری و حتی اعدام قطب زاده، هنوز سیاست بقیه در صفحه ۱۴

محافل دمکراتیک بین‌المللی به پشتیبانی خود از حزب توده ایران ادامه می‌دهند

خبر تظاهرات فوق، در مطبوعات مترقی آلمان فدرال همراه با عکس و تصویلات، بچاپ رسیده است.

● سازمان حزب کمونیست آلمان در این شهر طی نامه‌ای به سفارت ج ۱۰۱۰ با زداشتهای غیر قانونی اعمال شکنجه در مورد مریم فیروز و سایر مبارزین زندانی را شدیداً محکوم نموده و ضمن ابراز همبستگی با زنان و مردانی که تنها بگناه دفاع از حقوق زحمتکشان و مبارزه در راه برقراری عدالت اجتماعی، اسیر در زنجیرهای انسان‌سازاکی-ساواچائی و "سیا" گردیده‌اند، خواستار آزادی فوری همگی آنان و اطلاع موثق در مورد وضع سلامت رفیق مریم فیروز گردیده‌اند.

ایتالیا

طبق خبر مندرجه در "اوتیتا"، روزنامه ارگان حزب کمونیست ایتالیا، مورخ بیست و سوم ژوئن (دوم تیرماه)، "اتحادیه حقوق و آزادی خلقها"، از رئیس‌جمهوری اسلامی ایران درخواست کرده است تا با اعزام کمیسیونی مرکب از پزشکان و حقوقدانان به ایران، موافقت کند. درخواست فوق، بر مبنای وصل اخبار مربوط به بازداشت، شکنجه و اعدام افراد و از جمله شکنجه‌های وارده بر رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، انجام گرفته است.

کمیسیون حقوق بشر در ژنو نیز دست بابتکار مشابهی زده است.

کمونیستها و دمکراتهای فرانسه، بر اعزام هیئتی بین‌المللی به ایران، تأکید می‌ورزند

روزهای نهم و دهم ژوئیه (۱۸ و ۱۹ تیر ماه) در جشن محلی حزب کمونیست فرانسه در شهر گرونویل، کمونیستها و دمکراتهای فرانسوی یار دیگر، پیوند خود را با زحمتکشان ایران و مدافعین در بند آنان، مبارزین توده‌های، تجدید نمودند. در مراسم فوق که چندین هزار نفر شرکت داشتند، هزاران کارت اعتراضی، بمنظور محکوم کردن شکنجه‌های وارده بر رهبران و اعضای حزب توده ایران و درخواست اعزام هیأت پزشکان و حقوقدانان جهت بررسی وضع آنان، امضاء و برای ارسال به سفارت ج ۱۰۱۰ در فرانسه، آماده گردید. رفیق آندره لاورانی، که مقام ریاست هیأت پارلمانی حزب کمونیست فرانسه را در مجلس ملی این کشور برعهده دارد، و به نمایندگی از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه در جشن شرکت داشت، ضمن بازدید از فرقه حزب توده ایران، شخصاً همبستگی خویش و کمونیستهای فرانسه را با حزب توده ایران و تودهایبهای در بند اعلام و اعتراضنامه‌های راه که در آن همچنین خواست اعزام کمیسیونی مرکب از پزشکان و حقوقدانان به ایران، جهت بازدید از زندانیان، مطرح شده بود، جهت ارسال به سفارت ج ۱۰۱۰ در فرانسه، امضاء رسانید.

بقیه در صفحه ۱۵

هیأت فوق، سر باز زدند. قطعنامه بعداً توسط سازماندهندگان تظاهرات، برای رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، ارسال گردید.

در قسمتهائی از قطعنامه، پس از اشاره به این مسأله که طبق تجربه تاریخی، پیگرد کمونیستها، سرکوبی کلیه نیروهای دمکرات و سلب آزادیهای دمکراتیک را بدنبال دارد، از شخصیت‌های مانند رفقا: کیانوری، مریم فیروز و سایر کادرهای حزب توده ایران و مسئولین سازمانهای دمکراتیک نام برده است، که ماههاست در دست دوخیمان اسیرند و برخی از آنان مانند رفقا حسن حسین پور تبریزی، از

بقیه از صفحه ۵
خود را نسبت به بازداشت‌های خود سرانه و شکنجه مبارزین توده‌های تصریح نموده، آزادی فوری کلیه آنان را طلب کرده است.

تظاهرات اعتراضی کمونیستها و دمکراتها، در مقابل کنسولگری ج ۱۰۱۰ در هامبورگ

روز پنجشنبه، چهارم هم ژوئیه (بیست و سوم تیرماه)، بنا به دعوت سازمان حزب کمونیست آلمان در هامبورگ، تظاهراتی به نشانه اعتراض به اعمال شکنجه‌های وحشیانه در مورد رهبران و



تظاهرات اعتراضی کمونیستها و دمکراتها، در مقابل کنسولگری ج ۱۰۱۰ در هامبورگ

فعالین جنبش کارگری و گائیک آوانسیان، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، در اثر شکنجه‌های وارده، جان خود را از دست دادند. شیوه‌های پیگرد پلیسی علیه حزب توده ایران، این مدافعین راستین انقلاب و منافع زحمتکشان ایران - پشت محکوم شده و خواسته‌های زیر مطرح گردیده است:

- ۱- آزادی بلادرنگ نورالدین کیانوری و کلیه اعضای حزب توده ایران، فعالین و اعضای سندیکاها و سازمانهای دمکراتیک؛
- ۲- رفع ممنوعیت فعالیت قانونی حزب توده ایران و سایر سازمانهای دمکراتیک؛
- ۳- صدور روایدهای هیأتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان، جهت عزیمت با ایران و ملاقات با زندانیان بمنظور اطلاع از وضعیت جسمی و روحی آنان و برپوشیدن تعیین روشهایی که در اشرف آن "اعترافات" رهبران حزب توده ایران، بدست آمده است.

اعضای حزب توده ایران، در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در این شهر، بر پا گردید. اکثر شرکت‌کنندگان، از کمونیستهای سالخورده و شخصیت‌های برجسته سیاسی آلمان فدرال بودند که خود سالیان دراز، طعم تلخ پیگرد پلیسی دوران حکومت نازیها در این کشور و بازداشتگاه‌ها و شکنجه‌های هیتلری را چشیده بودند. آنان با حمل پوستره‌های بزرگ رفیق کیانوری شعارهایی از قبیل: "همبستگی با انقلاب ایران"، "آزادی برای اعضای حزب توده و رهبران سندیکاها در ایران"، "به شکنجه‌ها پایان دهید!"، بطرف محل کنسولگری حرکت کردند و در جلوی ساختمان تجمع نمودند. هیأتی مرکب از سه نفر، به نمایندگی از جانب تظاهراتکنندگان، همراه با قطعنامه‌ای وارد محل کنسولگری گردید و قصد ارائه قطعنامه را داشت، که مقامات کنسولگری از دریافت آن و ملاقات با

نقش ارتجاعی و خرابکارانه صدوپنجاه

"راه نوره" به علت مبرم بودن مسئله به تجدید چاپ روزنامه "نامه مردم" راگان مرکزی حزب توده ایست. تحت عنوان "نقش سرمایه بزرگ وابسته تجاری در مرحله کنونی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی" که در اول دی ۱۳۰۹ چه شده است، اقدام می کند.

از نگارش این مقاله، که یک بررسی همه جانبه و تاریخی از خرابکارانه "سرمایه تجاری" است، اگر چه سه سال گذشته ولی مطالب آن تازه و آموزنده هستند و بیکار دیگر برخورد از حزب سلاطین قابلیت درجه یک درک و تحلیل مسائل نشی می دهند.

کافی است در این مقاله، بجای بوزوازی لیبرال و هواداران مدافعان آن، راستگرایان و حامیان آنها را بگذاریم تا این ما با واقعیت سه سال بعد از نگارش آن نه فقط انطباق ماهوی، انطباق ظاهری هم بیاید.

نکته دیگری که در مقاله توضیح داده شده است و باز هم تیز بینی حزب ما را ثابت می کند آنستکه مقاله با تشریح نقش سرمایه تجاری ایران در سالهای بعد از انقلاب، بیهوده تدارک هسانی کوشش سرمایه تجاری طی ۱۵۰ سال گذشته پرداخته و توضیح می دهد که چگونه سرمایه اری تجاری با سد کردن رشد صنعتی کشور سرمایه خود را در بخش سود آور بازرگانی خارجی و داخلی به کار گرفته و از این راه سودهای کلان و بد در دسری برای خود تأمین کرده است.

ادامه کوشش سرمایه داری تجاری ایران برای تکیه به "صنای

در روزهای اخیر، که مسئله مبارزه با گرانی و گرانفروشی و احتکار به عنوان يك "توطئه سیاسی براندازی" اذهان را بیهوده حق به خود مشغول داشته است، عناصری از نیروهای صادق و خواهان تأمین عدالت اجتماعی برای زحمتکشان، در رسانه های گروهی نظرات خود را در مورد این محض و راه برون رفت از آن اعلام کرده اند.

از جمله در روزنامه "اطلاعات" (۳۰ تیر ۱۳۰۹) شش تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این مورد اظهار نظر کردند و با تکیه بر لزوم اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و بازرگانی خارجی دولتی و هدایت و کنترل بازرگانی داخلی کلان و خرده، تنها راه حل درست و اصولی مبارزه با گرانی را بر سر نهاده اند:

"... ترویج های اقتصادی بعضا با سوء استفاده از انگیزه های مذموب مردم و توجیبات باصطلاح شرعی اصمال ضد انسانی خود را انجام می دهند (آقای مرتضی الیوری، نماینده دماوند و فیروز کوه) ..."

"... آنچه در اصل ۴۴ قانون اساسی آمده است، اگر دقیقاً اجرا شود، تا حدود زیادی تنش های موجود در جامعه را کاهش می دهد ... باید شا هر گز برای تجارت خارجی و توزیع از دست تعداد معدود و مرتبطی از سرمایه داران متنفذ خارج شده و با سیاست اقتصادی دولتی قانون اساسی منطبق گردد تا به این وسیله بحران موجود مهار گردد (آقای سید احمد زرهانی، نماینده دزفول) ..."

سرمایه بزرگ وابسته تجاری در مرحله کنونی عمده ترین نقش را در مخالفت با انقلاب به عهده گرفته است. تثبیت پیروزی های که انقلاب تا کنون به دست آورده، هم چنین هموار ساختن راه رشد آتی آن در رهائی کامل از سلطه امپریالیسم و سرمایه خارجی، بدون خلغ ید از سرمایه بزرگ وابسته تجاری ممکن نیست. اصل ملی کردن بازرگانی خارجی و ذخایر عمده گالائی، گسترش شبکه توزیع دولتی و تعاونی ها با جیره بندی، اهرم های اساسی خلغ ید سرمایه بزرگ وابسته تجاری در بازرگانی خارجی و پایان دادن به گرانی، احتکار و سودجویی آزمندان در بازرگانی داخلی است. انجام سریع این اقدامات از نظر رفع ناراضی های ناشی از گرانی و اختلال در معیشت عمومی، که نه تنها زحمتکشان، بلکه اقشار متوسط جامعه را هم به ستوه آورده، امری بی نهایت ضروری است. لیبرال ها قصد دارند بر امواج این ناراضی های مردم را از انقلاب روگردان سازند. با خلغ ید از سرمایه بزرگ وابسته تجاری، یکی از عمده ترین پایه های اقتصادی اجتماع لیبرالیسم را، که ضد انقلاب و امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به استفاده از آن پرداخته اند، درهم شکنیم و انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی را بر پایه ایجاد اقتصادی به معنی واقعی کلمه مستقل و خلقی، که ضامن شکست ناپذیری جمهوری اسلامی ایران خواهد بود، استوار سازیم.

نگرش کوتاه تاریخی بر نقش سرمایه بزرگ تجاری

سرمایه بزرگ تجاری در اواسط قرن گذشته میلادی می توانست نقش مترقی در اعتلای اقتصاد ایران از مرحله تولید دستی پیشه وری به تولید بزرگ ماشینی داشته باشد، این سرمایه می توانست از کوشش های مبرک کبیر برای ایجاد کارخانه های جدیدالتاسیس ماشینی در فاصله سالهای ۱۸۵۰-۱۸۵۵ استقبال بعمل آورد. لیکن از آنجا که سرمایه گذاری در صنعت شامل چنان منفعتی نبود که سرمایه تجاری از راه مبادله کالا بدست می آورد، تجارت بزرگ آن زمان نه فقط از کوشش های امپریکیبر استقبال نکردند، بلکه بعزل او عقیم گذاشتن اولین تلاشها در راه ایجاد صنایع ماشینی در ایران نائل آمدند.

در نیمه دوم قرن نوزدهم، موازی با تشدید نفوذ کالای خارجی در بازار ایران، سرمایه بزرگ تجاری به خدمت استعمار روس پس امپریالیسم درآمد. سرمایه بزرگ تجاری با اقدام به وارد کردن کالای صنعتی از خارج، نه فقط خود ایتکار ایجاد صنایع ماشینی را بعهده نگرفت، بلکه باعث شد که تولیدات وسیع پیشه وری صنعتی در ایران بکلی از هم متلاشی گردد. همزمان با کسب منفعت از راه فروش کالای خارجی در بازار ایران، سرمایه بزرگ تجاری به خرید املاک و اراضی زراعی زد و کشاورزی ایران را نیز در جهت تبعیت از بازار امپریالیستی کشانید. بدینسان، سرمایه بزرگ تجاری بصورت سرمایه کمپرادوری، یعنی سرمایه ذینفع در توسعه نفوذ کالای بیگانه و وابستگی ایران به بازار امپریالیستی، تبدیل کشور ما به زائده تولید مواد خام کشاورزی برای

بازار جهان سرمایه داری ذینفع در حفظ نظام عقب مانده و وابسته ارباب - رعیتی شکل کامل به خود گرفت.

در انقلاب مشروطه کوششهایی برای ایجاد صنایع ماشینی در ایران بعمل آمد. لیکن این بازنیز سرمایه بزرگ تجاری این کوششها را عقیم گذاشت. نه تنها در زمینه صنعتی کردن، بلکه در زمینه اجتماعی و سیاسی نیز سرمایه بزرگ تجاری و نمایندگان آن در کنارتفوتدالها و ملاکین بزرگ قرار گرفتند و از تعمیق انقلاب مشروطه بسودتأمین استقلال و آزادی و ترقی ایران جلوگیری کردند. سرمایه بزرگ تجاری و محافل لیبرالی حافظ منافع آن، در خط وابستگی ایران به امپریالیسم و قبضول سلطه ارتجاع داخلی فتودال سلاک باقی ماندند.

در کوششها و جوشش های انقلابی که پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در پرتو این انقلاب و تاثیر آن در ایران به صورت قیام های ملی و خلقی در آذربایجان، گیلان و خراسان بروز کرد، سرمایه بزرگ تجاری در مواضع قبلی خود باقی ماند. محافل لیبرالی حافظ منافع این نوع سرمایه حاضر نشدند از ایفای نقش واسطه و دلال کالای خارجی در بازار ایران، که منافع زیاد تری در دستری نصیب آنان می کرد، صرف نظر نمایند و به "خطر" بکار انداختن سرمایه های خود در تولید و ایجاد صنایع ماشینی، که بسود کشور بود، تن در دهند. رضاخان، با دیکتاتوری سبانه خود و ایجاد ماشین جهنمی استثمار توده های زحمتکش، شرایط نسبتاً مساعدی برای فعالیت سرمایه صنعتی در داخل فراهم آورده بود. معذک سرمایه بزرگ تجاری حتی در این دوران نیز

تن به رها کردن رشته کم خطر و پردرآمد بازرگانی خارجی و کسب درآمدهای عظیم و سهل الوصول از راه مبادله و فروش کالاندا، بهمین جهت تلاش برای صنعتی کردن در این دوران نیز نتیجه ای بیار نیآورد. سرمایه بزرگ وابسته تجاری، با باقی ماندن در مواضع غارتگرانه و حمایت از دیکتاتوری رضا خان، ایران را در عقب ماندگی و اسارت نگذاشت.

تلاش های نیروهای مترقی جامعه ایران در چهل سال گذشته، یعنی از طرد دیکتاتوری رضاخان تا پایان سلطه دیکتاتوری محمدرضا، در جهت نقل و انتقال سرمایه ها بسوی تولید و ایجاد صنایع ماشینی معاصر بوده است، که می توانست پایه های مناسبی برای استقلال واقعی اقتصادی ایران بوجود آورد. اما این تلاشها نیز به علت مقاومت سرمایه بزرگ وابسته تجاری - که حتی موجب شد که رشد ناگزیر صنعتی شدن کشور نیز در جاده وابستگی سیر داده شود - به نتیجه ای نرسید.

سرمایه بزرگ وابسته تجاری توانست در همکاری با امپریالیسم و دربار، در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ضربات سنگینی به نهضت ملی شدن نفت وارد آورد. در این دوران بار دیگر محافل لیبرالی وابسته به این سرمایه ثابت کردند که با آلمان تأمین استقلال اقتصادی ایران سر سازگاری ندارند. سرمایه بزرگ وابسته تجاری توانست در دوران پس از کودتا امتیازات زیادی بسود حفظ و تقویت مواضع خود کسب کند. چنانکه می دانیم، انحصار دولتی بازرگانی خارجی ایران، پس از تسلط رژیم کودتا، به کلی نقض گردید. پس از کودتا، سرمایه بزرگ وابسته تجاری گذشته از بازرگانی خارجی

سرمایه تجاری در تاریخ له‌آخر ایران

از " که در ماههای اخیر بارها اشاره شده، در سخنان بازتاب یافته است :
" جدیداً مشاهده شده آنچه را که تحت عنوان اغنامه تولید در به مصرف می‌کنند، در حقیقت اضافه مونتاژ است (تأکید از بت)، یعنی قطعات خارجی را باز وارد می‌کنیم، با سرعت تری از گذشته و صنایع مونتاژ را سرعت بخشید، ما هم و این افزایش یاد... نیست " (حسین کمالی، عضو شورای مرکزی خانه کارگر، اطلاعات، ۵ تیر ۶۲)

انجمن بسیعی علی وزارت صنایع سنگین در برنامه ی و ایجاد پایسه های مادی و فنی یک بحث مادر و مستقل، که سه پسرنامه این وزارتخانه بدیل شده و بوسیله آقای وزیر صنایع سنگین تصریح شده است، و نیز تومیسه این وزارتخانه به ایجاد صنایع یک در روستاها و شهرهای کوچک، در خدمت دوام سیاست سنتی سرمایه تجاری ایران در صدد و پنجاه لآخر است، این سیاست سنتی موجب شده است (و اکنون بهین راه را طی می‌کند)، که با تبدیل سرمایه بزرگ تجاری به پایه کمرباد و، یعنی سرمایه ذینفع در توسعه نفوذ کالای بیگانه، سنتی ایران به بازار امپریالیستی را حفظ کرده و آنرا ادامه ده و کنسر ما را به زانده تولید مواد خام - نفت، معادن دیگر، باورزی و غیره - تبدیل سازد .

و داخلی، نفوذ خود را به رشته های دیگر اقتصادی: صنایع، حمل و نقل، بانک و کشاورزی بسط داد و در تحول این سرمایه ها به سوی وابستگی نقش فعالی به عهده گرفت .
در تقویت مواضع سرمایه بزرگ وابسته تجاری در ربع قرن پس از کودتا، چند عامل عمده موثر بودند :

اول، استقرار سلطه امپریالیسم و نواستعمار به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، که هدف عمده خود را تبدیل ایران به جامعه مصرفی وابسته قرار داده بود .
دوم، افزایش درآمد نفت، که با آمال امکانات مالی بیشتری را برای خرید کالاهای خارجی و فروش آن ها در اختیار بازرگانان عمده و وابسته قرار می داد .

سوم، استقرار و تثبیت حاکمیت دیکتاتوری و پلیسی خانواده پهلوی، که حافظ منافع غارتگری و طفیلی ترین سرمایه های وابسته، منجمله بویژه سرمایه بزرگ وابسته تجاری بود .
مجموعه این عوامل سبب شد که سرمایه بزرگ وابسته تجاری در ربع قرن اخیر، یعنی از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به بعد، مواضع مالی و اقتصادی عمده تری را دارا شود . حال آنکه از نظر رشد تاریخی، سرمایه بزرگ تجاری می بایست جای خود را به سرمایه های صنعتی بدهد . اما چنانکه شاهد بودیم، نه فقط چنین انتقال تاریخی صورت نگرفت، بلکه سرمایه بزرگ وابسته تجاری حتی توانست در تولید صنعتی و اصولاً کلیه سرمایه های شاغل در تولید را، به تبع از منافع آزمندان خود و امپریالیسم و انحصارات آن، تغییر جهت دهد . بسیاری از رشته های تولید صنعتی و صاحبان صنایع، تا

مقاله به این نکته اشاره دارد، که " سرمایه بزرگ وابسته تجاری، که از اواسط قرن گذشته، نقش ترمز کننده و ارتجاعی در پیشرفت اقتصادی ایران ایفا می‌کند، قادر بوده است در هر چرخش تاریخی، با ایفای نقش مزورانه، خود را بدون نگاه دارد و همچنان به موجودیت خود تا بحال ادامه دهد " .
این تحلیل، که سه سال پیش در این مقاله به عنوان یک هشدار از درس تاریخ صد و پنجاه ساله ایران مطرح شده بود، اکنون به واقعیت دردناکی برای میهن ما و زحمتکشان آن تبدیل شده است .

سرمایه تجاری در جمهوری اسلامی ایران، با تحکیم مواضع خود در حاکمیت، توانایی آنرا یافته است که به معاضل عمده مسخ انقلاب و سرکوب شدن و ددمنشانه نیروهای دگراند پیش مدافع انقلاب و مرعوب ساختن نیروهای انقلابی مسلمان تبدیل شود .

تسلیم طلبانی، که با وعد های طلائی، اعتماد و رهبری زحمتکشان میهن ما را به چنگ آوردند، مسئولیت مستقیم و سنگینی در دوران اخیر تاریخ میهن ما در مرفقیت ارتجاع راستگرا و سرمایه تجاری ایران برای اعمال و تداوم این نقش تاریخی ضد ملی و ضد خلقی، به عهده دارند .

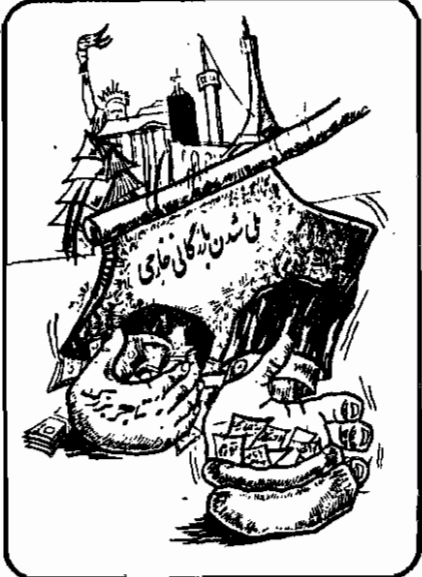
آنها با معاضات و تسلیم طلبی خود، چه بخواهند و چه نخواهند به عامل تعیین کننده مرفقیت سرمایه تجاری و پارگشت دوباره امریالیست ها، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، به ایران تبدیل شده اند!

سال های ۱۳۴۰ در ایران مستقل باقی ماندند . اما رفته رفته حتی این رشته ها نیز به صورت صنایع مونتاژ درآمدند و به وابستگی به سرمایه های امپریالیستی، کشانیده شدند . در این وابستگی، سیاست امپریالیست ها ورزیم حاکم نقش سیاسی و سرمایه تجاری وابسته، عملاً نقش اقتصادی را ایفا کردند .

همه سرمایه های بزرگ در دوران رژیم طاغوت در جهت وابستگی ایران به امپریالیسم و بازار سرمایه داری جهانی عمل می کردند، اما در این میان سرمایه بزرگ وابسته تجاری اساسی ترین نقش را ایفا می کرد . این واقعیتی است که اکنون همه نیروهای انقلابی باید بدان واقف باشند و مکانیسم عقب ماندگی کشور خود را به خوبی بشناسند . اگر بگوییم که در مکانیسم عقب ماندگی ایران از دو قرن به این طرف، سرمایه بزرگ وابسته تجاری نقش عمده و اساسی را ایفا کرده است، سخنی مبالغه آمیز نگفته ایم . این عین واقعیت است .

انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی و مواضع سرمایه بزرگ وابسته تجاری

با تحلیل کوتاهی که از نقش سرمایه بزرگ تجاری از اواسط قرن گذشته تا بحال دادیم، طبیعی است که هر خواننده ای متوجه می شود که: پس یکی از اساسی ترین وظایف انقلاب حاضر باید خلع ید از این سرمایه باشد . این



امر کاملاً درست است و انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران، اگر به خلع ید سرمایه بزرگ وابسته تجاری از مواضع خود نا غل نگیرد، مطمئناً نخواهد توانست به رشد آتی خود ادامه دهد .
در این حالت، حتی تثبیت پیروزی های بدست آمده نیز برای انقلاب دشوار و حتی غیر ممکن خواهد بود .

اینک ببینیم انقلاب ایران پس از پیروزی، در ارتباط با ضرورت خلع ید از سرمایه بزرگ وابسته تجاری چه کرده است؟
واقعیت اینست، که مواضع این سرمایه نه فقط دچار آسیب نشده، بلکه عملاً، تا همین امروز، به قوت سابق خود باقی مانده است!

پس از پیروزی انقلاب، به دیگر انواع سرمایه های بزرگ، مثلاً سرمایه های بزرگ صنعتی، بانکی، حمل و نقل و حتی کشاورزی ضربات نسبتاً قابل ملاحظه ای وارد آمده است .
سرمایه های بانکی ملی شده، قسمت مهمی از سرمایه های بزرگ صنعتی و کارخانه ها مصادره گردیده، کار حمل و نقل تا حدودی ملی شده، و از سرمایه های بزرگ در کشاورزی خلع ید بعمل آمده است . این ها البته اقدامات و پیروزی های بسیار مهمی هستند که انقلاب بدان ها دست یافته است .

پس از پیروزی انقلاب، در زمینه این نوع سرمایه های بزرگ، که می توان گفت بطور عمده، به نحوی از انحاء، با تولید سر و کار داشته اند، تصمیمات و تغییرات بنیادی مهم دیگری نیز صورت گرفته، که واحد اهمیت حیاتی است . مثلاً اداره کلیه بانک ها به دست دولت سپرده شده، تمام کارخانه های مصادره شده از اداره سرمایه داران طاغوتی خارج شده و تحت نظر مدیران دولتی و بنیاد مستضعفین قرار گرفته است . شورا های نظارت بر تولید در قسمت مهمی از این رشته ها و واحدها فعالیت می کنند، که بهر حال مظهر حاکمیت اجتماعی و انقلابی بر فعالیت سرمایه داران رشته ها هستند .

خلاصه کلام اینک، در زمینه سرمایه های وابسته صنعتی، بانکی، بیمه ای، حمل و نقل و کشاورزی، دولت انقلاب تصمیمات جدی اتخاذ کرده و به اجرا گذاشته، که هر یک واحد اهمیت اساسی است .

اما در زمینه سرمایه بزرگ وابسته تجاری، که چنانکه قبلاً گفته شد، نقش مادر را در ایجاد کلیه سرمایه های وابسته در کشور ما داشته، جز بقیه در صفحه ۱۰

نقش سرمایه بزرگ وابسته تجاری ...

بقیه از صفحه ۹

تصویب اصل مهم ملی کردن بازرگانی خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، عملاً هیچ گونه اقدام جدی بعمل نیامده است. پس از پیروزی انقلاب، نه فقط هیچ گونه تعرض انقلابی به مواضع سرمایه بزرگ وابسته تجاری بعمل نیامده، نه فقط ذخایر عظیم کالایی متعلق به این سرمایه دست نخورد مافی مانده، بلکه دست سرمایه بزرگ وابسته تجاری، هم در بازرگانی خارجی و هم در بازرگانی داخلی، تمام و کمال باز گذاشته شده است. در دوران پس از پیروزی انقلاب، ضربات جدی بر مواضع سرمایه های دیگر وارد آمده، و سهم دولت در بازرگانی خارجی بسیار کاهش یافته و سرمایه بزرگ وابسته تجاری حتی توانسته است به مواضع مالی و سرمایه های به مراتب قوی تر نائل آید. می توان گفت که هم اکنون در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران عمده ترین مواضع اقتصادی و مالی و فعال ترین آن در تصرف سرمایه بزرگ وابسته تجاری است. جالب اینکه هیچ نوع نظارتی، نه دولتی و نه اجتماعی بر فعالیت این سرمایه وجود ندارد.

اهرم های پولی، گرانی، احتکار، سود خواهی گزاف، که همه آن ها در دوران پس از انقلاب قویا به ضد جمهوری اسلامی به کار گرفته شده، تماماً در ید قدرت سرمایه بزرگ وابسته تجاری باقی مانده است. با استفاده از اختکار و گرانی، سرمایه بزرگ وابسته تجاری در دوران پس از انقلاب سودهای عظیم باور نکردنی کسب کرده و با تسلط بر وسایل بولی جامعه (اسکناس) هم اکنون تمام سیستم بانکی و مالی کشور رانیز در مضیقه قرار داده است.

درست در شرایط زمان جنگ، که توزیع همگانی و سراسری کالاها ضروری از واحبات است و جیره بندی و پخش کالا از طریق کوبین برای حفظ انقلاب امری حیاتی است، سرمایه بزرگ وابسته تجاری با تمام قوا در این کار اخلال می کند، آن هم اخلال موثر. سرمایه بزرگ وابسته تجاری از طریق نفوذی که در اقشار وسیع پیشه وران و اصناف دارد، آن ها را از انقلاب می ترساند، نسبت به شبکه توزیع دولتی و تعاونی، که بسود این اقشار نیز هست، بدبین می کند، در امر توزیع کالاها جیره بندی شده کارشکنی می نماید، تا عدم رضایت عمومی را سرانگیزد و بدین وسیله مواضع غارتگران و عمیقاً ضد انقلابی خود را حفظ کند.

سرمایه بزرگ وابسته تجاری از نظر قدمتی که در تاریخ فعالیت خود در اقتصاد ایران دارد، از جهت موضع دست نخورده ای که در بازرگانی خارجی دارد، از راه شبکه وسیعی از عمده فروشان و دلالان و واسطه ها، که به دور خود گرد آورده است، از نظر نفوذ دست نخورده ای که در قشر عظیم بیش از ۸۵ هزار واحد صنعتی - که از جهت توزیع کالا چشم به دست آن دوخته اند - بهم زده است، مواضع عظیمی را در اقتصاد ایران در اختیار دارد.

امروز که مسئله سرنوشت انقلاب مطرح است و باید آرزاه طرد تسلط غارتگران همه سرمایه های بزرگ وابسته و طفیلی دستاوردهای انقلاب تثبیت شود و راه انقلاب به جلو در جهت تأمین استقلال و آزادی واقعی و تحکیم جمهوری اسلامی ایران هموار گردد، سرمایه های بزرگ

وابسته تجاری همه این مواضع را در خدمت ضد انقلاب و امپریالیسم حامی آن قرار داده است. خطر لیبرالیسم که اینک نمایندگی مجموعه سرمایه داری ایران را بر عهده گرفته است، از همین جا ناشی می شود. اینکه سرمایه داران عمده بازار در برابر خطا امام خمینی، "خط" می کشند، مظهر مقاومتی است که بطور عمده از مواضع سرمایه بزرگ وابسته تجاری در برابر انقلاب ناشی می شود.

سرمایه بزرگ وابسته تجاری محکوم به زوال است

خلع ید سرمایه بزرگ وابسته تجاری ضرورت عینی پیشرفت اقتصاد کشور و دسترسی به استقلال و آزادی واقعی و تحکیم جمهوری اسلامی ایران است و انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران قادر به خلع ید این سرمایه داری است.

در تحلیل بخش اول این نوشته دیدیم که سرمایه بزرگ وابسته تجاری، که از اواسط قرن گذشته، نقش ترمزکننده و مارتجایی در پیشرفت اقتصادی ایران ایفا می کند، قادر بوده است در هر چرخش تاریخی، با ایفای نقش زورخانه، خود را مصون نگاه دارد همچنان به موجودیت خود تا بحال ادامه دهد. این توفیق به طور عمده از آن جهت نصیب سرمایه بزرگ وابسته تجاری گردیده، که اولاً در انقلابات و چرخش های قبلی تاریخی در کشور ما، تا حدی زمینه عینی طرد سرمایه بزرگ وابسته تجاری وجود نداشت، (تسلط مطلق و نسبی امپریالیسم بر جهان و سطح نازل رشد اقتصادی - اجتماعی کشور)، مهم تر اینکه، عنصر ذهنی انقلاب، در مورد ضرورت و تحقق این کار، از آگاهی لازم برخوردار نبود.

خوشبختانه در شرایط کنونی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، نه فقط شرایط عینی کاملاً مساعدی برای طرد سرمایه بزرگ وابسته تجاری از مواضع اشغالی آن در اقتصاد ایران وجود دارد (ضعف عمومی امپریالیسم و وجود جامعه کشورهای سوسیالیستی و ضد امپریالیستی و سطح قابل ملاحظه رشد اقتصادی و اجتماعی در داخل)، بلکه هم چنین نیروهای انقلابی حاکم کم و بیش بر اهمیت تحقق این کار تاریخی و قوف دارند.

باید دانست که در کنار تمام مسائل دیگری که انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی باید به حل آن ها در کشور ما قادر گردد، مسئله مرکزی، اولویت بخشیدن به امر تولید اجتماعی در زمینه های گوناگون صنعتی و کشاورزی است. اکنون رشد اقتصادی کشور ما به مرحله ای رسیده است، که در اولویت قرار دادن تولید اجتماعی را بصورت سرمایه گذاری های عظیم در صنایع و کشاورزی و حمل و نقل و مسکن و همه امور که مستقیماً با تولید سرکار دارد، طلب می کند. سرمایه تجاری از سخت فرماندهی بر کلیه امور اقتصادی و اجتماعی - چنانکه در گذشته بوده و اکنون نیز هست - باید به زیر کشیده شود. حیثیه فعالیت سرمایه تجاری به ایفای نقش توزیع کالا

در داخل، آن هم با در نظر گرفتن نقش برتر بخش دولتی و تعاونی - چنانکه قانون اساسی جمهوری اسلامی مقرر داشته - باید محدود گردد. تنها در چنین حالتی است که می توان زیربنای اقتصادی جامعه نوین انقلابی را ساخت و به استقلال واقعی اقتصادی و رفاه اجتماعی طبقات زحمتکش و مولد ثروت نائل آمد.

آزادی فعالیت سرمایه بزرگ وابسته تجاری عامل ترمزکننده و بازدارنده در نبل به اهداف یاد شده است. آزادی فعالیت سرمایه بزرگ وابسته تجاری هیچ گاه به کشور و جامعه انقلابی ایران امکان نخواهد داد که به این اهداف حتی نزدیک شود، چنانکه سرمایه بزرگ وابسته تجاری، حتی در شرایط انقلابی کنونی ایران، با جلب سرمایه های دیگر به فعالیت در زمینه بازرگانی و سودبری از این فعالیت، عملاً رشته های دیگر فعالیت اقتصادی را به فلج کشانیده و می کشاند.

در مراحل اولیه پس از پیروزی انقلاب، حل مسائل مهم تری نظیر طرد سلطه نظامی و سیاسی امپریالیسم و از بین بردن نفوذ سرمایه های خارجی و وابسته در رشته های بانکی و کشاورزی در دستور قرار داشت. اکنون زندگی خود طرد سلطه امپریالیسم و سرمایه های وابسته را در زمینه بازرگانی خارجی و تجارت داخلی در دستور قرار داده است. می توان گفت، در عین اینکه این وضع نشانه روشنی از تعمیق انقلاب است، در همان حال این وضع نشانه آن است که انقلاب در لحظه کنونی با یکی از وظایف بسیار خطیر و مهم خود روبروست. انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما باید بتواند در این مرحله نیز از عهده این وظیفه اساسی و مهم برآید و به خلع ید سرمایه بزرگ وابسته تجاری، چنانکه امام خمینی بدرستی گفته اند، به "طاغوت زدایی بازار" نائل آید.

سرمایه بزرگ وابسته تجاری در مرحله کنونی عمده ترین نقش را در مخالفت با انقلاب به عهده گرفته است. تثبیت پیروزی هایی که انقلاب تاکنون بدست آورده، هم چنین هموار ساختن راه رشد آتی آن وره های کامل از سلطه امپریالیسم و سرمایه خارجی، بدون خلع ید از سرمایه بزرگ وابسته تجاری ممکن نیست. اصل ملی کردن بازرگانی خارجی و ذخایر عمده کالایی، گسترش شبکه توزیع دولتی، تعاونی - ها با جیره بندی، اهرم های اساسی خلع ید سرمایه بزرگ وابسته تجاری در بازرگانی خارجی و پایان دادن به گرانی، احتکار و سودجویی آزمندان در بازرگانی داخلی است. انجام سریع اقدامات اخیر، از نظر رفع نارضایتی های ناشی از گرانی و احتکار و اختلال در معیشت عمومی، که نه تنها زحمتکشان، بلکه حتی اقشار متوسط جامعه را به ستوه آورده، امری است بی نهایت عاجل و ضرور. لیبرال ها که اینک نمایندگی سرمایه بزرگ وابسته تجاری را هم بر عهده گرفته اند، قصد دارند بر امواج این نارضایتی ها، مردم را از انقلاب روگردان سازند و زمینه را برای مسخ انقلاب فراهم آورند.

با خلع ید از سرمایه بزرگ وابسته تجاری، یکی از عمده ترین پایگاه های اقتصادی - اجتماعی لیبرالیسم را، که ضد انقلاب و امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، به استفاده از آن پرداخته اند، درهم شکنیم و انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی را بر پایه ایجاد اقتصادی به معنی واقعی کلمه مستقل و خلقی، که ضامن شکست ناپذیری جمهوری اسلامی ایران خواهد بود، استوار سازیم.

هیاهو بجای عمل

بقیه از صفحه ۱

تعارف‌هایشان تجلی می‌یابد و آنها را به بی‌عملی واقعی محکوم می‌کند و در نتیجه آنها را در این "توطئه سیاسی" شریک می‌سازد، در جماعات زیر به روشنی دیده می‌شود، آنها از جمله چنین می‌گویند:

"... اگر من گران فروش یا محترک می‌گویم، مراد تمام بازاریان نیستند (بیرون کشیدن نظام سرمایه داری از زیر ضربه!) زیرا ما آنچه داریم (!) اکثر اغلب از بازاریان است (و نه از کارگران، که "ستون انقلابند")، چه در بشر رساندن انقلاب ما، بازاریان با اعتصاب انقلابیشان و چه بعد از انقلاب با کمک‌هایشان به جبهه‌های جنگ و دولت، نشان دادند، که به این جمهوری معتقدند".

در این سخنان، پس از تطهیر نظام سرمایه‌داری غارتگر، این فکر القا می‌شود، که فقط باید "معدودی" گرانفروش را، که "قصد سودجویی و مکیدن خون مردم را دارند" یافت و اگر در توطئه سیاسی شرکت دارند به عنوان "مفسد فی الارض" سرکوبشان کرد، تا مسئله حل شود! (چراید)

این "فکر"، که سرکوب "معدودی" غارتگر، حلال مشکلات است، خود فکری است، که ارتجاع و ضد انقلاب همیشه و در همه جا تبلیغ کرده و می‌کند و مخصوص جمهوری اسلامی ایران هم نیست! "تز" مبارزه با گرانی در رژیم شاه هم همین بود.

بعبارت دیگر در پس هیاهو و شعارهای تند "انقلابی" و تهدیدهای "جریمه" و "اعدام"، این واقعیت نهفته و پوشیده شده است، که هدف از به اصطلاح مبارزه "قاطع" با گرانی در واقع به خدمت گرفتن یک طبل توخالی است، که با کوبیدن بر آن توجه زحمتکشان را از مسئله اصلی منحرف سازند و انتظار آنها را از مبارزه واقعی و عملی با نظامی، که گرانفروشی و احتکار را ممکن می‌سازد، تبدیل به یاس سازد. آنها می‌خواهند از این طریق، نظام حاکم بر بازار و بازرگانی ایران و عاملان آن را، که کلان سرمایه‌داران بازاری هستند، تطهیر کرده و از زیر ضربه خارج سازند.

تنزل دادن مبارزه واقعی و عملی با نظام اقتصادی شاهنشاهی حاکم بر بازار جمهوری اسلامی ایران، که موجد گرانی و گرانفروشی است، به سطح به اصطلاح "مبارزه قاطع" با "معدودی" سرکردگان گرگان خون آشام، که در گله گرگان، در خون آشامی چشمگیر شده‌اند، توهینی است به فداکاری و ایثار زحمتکشان، که

برای براندازی نظام غارتگری سر باختند و جان دادند!

برای تشخیص بی‌شمر بودن این "مبارزه قاطع" نیازی نیست، که انسان ناخچه باشد.

می‌توان هم اکنون هم اعلام کرده، که عدای آگاهانه این "مبارزه قاطع" را به عنوان ابزار ادامه موعترت "توطئه سیاسی" براندازی به میدان آورد مانند عدای هم ناآگاهانه (؟) با برداشتن این چوب تکفیر علیه "معدودی" غارتگر، خواسته یا ناخواسته به حفظ نظام غارتگری، تن داد مانند به شرکای "توطئه سیاسی" براندازی تبدیل شده‌اند و بر شاخه نشسته بن می‌برند!

مسئولیت این دسته، اخیر درست از آن نظر سنگین است و غیر قابل بخشش، که آنها میدانند و نمی‌توانند ندانند، که راه واقعی مبارزه با گرانی و گرانفروشی چیست! آنها می‌دانند و نمی‌توانند حاشا کنند، که جدا کردن مبارزه با نظام اقتصادی ای که موجد گرانی و گرانفروشی است، از مبارزه با گرانفروشان و محترکان، شرکت مسقیم در توطئه براندازی است. زیرا آنها، که مبارزه با نظام غارتگری را به مبارزه با "معدودی" غارتگر تنزل می‌دهند، خوب می‌دانند، که اگر ضد انقلاب و راستگرایان بعد از پیروزی انقلاب با لطائف - الحیل و توطئه و شانتاز به حفظ نظام اقتصادی آریامهری موفق شدند و از این طریق، زمینه واقعی غارت زحمتکشان را حفظ کردند و اکنون دیگر بدون هیچ پروائی در حفظ پایه‌های اقتصادی این نظام می‌کوشند، این را هم آنها می‌دانند، که ضد انقلاب و راستگرایان برای پرچم‌اران به اصطلاح "مبارزه قاطع" با گرانی وظیفه حفظ همین پایه‌های سرمایه‌داری را نیز تعیین کرد مانند:

- وظیفه تئوری باقی را، که گویا "بازاریان با اعتصاب انقلابیشان" ثابت کرده‌اند انقلابی‌اند!

- وظیفه تطهیر کلان سرمایه‌داران بازار را، که گویا با "کمک‌هایشان به جبهه‌های جنگ و دولت"، یعنی پرداختن ۱۳ میلیارد تومان، خادام جمهوری شده‌اند و بالاخره:

- وظیفه تحمیق توده‌ها و دور کردن نظر آنها از تنها راه حل واقعی و عملی مبارزه با گرانی و گرانفروشی، یعنی مبارزه با نظام اقتصادی ای که این غارتگری را ممکن می‌سازد.

فقط کوران این تقسیم‌کار را نمی‌بینند:

- ضد انقلاب داخلی و خارجی، هیاهوی اینکه "ایران کمونیستی شد" را براه انداختند و - راستگرایان، فریاد "وای همه چیز کمونیستی

شد" را بر می‌داشتند و قانون اساسی را "غیر-شرعی" اعلام می‌کردند و می‌کشند و "موازی-شرع" را پایمال شده قلمداد می‌کردند و می‌گفتند، و به نجات "سرمایه حلال" و "سرمایه دار صالح" و بخشنده (!) می‌شتابند. غیر شرعی نامیدن و رد کردن قانون تجارت خارجی دولتی توسط شورای نگهبان از یک طرف، و آزاد کردن فروش برنج "توسط عسکر اولادی از طرف دیگر، نمونه‌های عملی این سیاست است؛

- تسلیم طلبان، "نظام غارتگر بازار را تطهیر می‌کنند، بازاریان را "انقلابی" توصیف می‌کنند و مدعی می‌شوند، که فقط باید "معدودی" را سرکوب کرد، تا گرانی برطرف شود.

این اعلام کنندگان "مبارزه قاطع" با گرانی و گرانفروشی، تمام این نکات را می‌دانند و باید بداند، زیرا خود راه واقعی مبارزه با این نظام اقتصادی غارتگر را در قانون اساسی ج ۱۰۱۰۰ تدوین و تنظیم کرده‌اند و اصل ۴۴ قانون اساسی را، که بازرگانی خارجی دولتی و هدایت و کنترل بازرگانی داخلی کلان و خرد را تثبیت می‌کند و اجرای آن تنها راه واقعی و عملی مبارزه با این نظام غارتگرانه نیز است، تصویب کرده‌اند.

آنها نمی‌توانند ندانند، که فقط اجرای بد و کم و کاست این اصل، راه نجات و خروج ازین بستی است؛ ولی با سکوت خود در مقابل شورای نگهبان و تسلیم در مقابل راستگرایان و ابقای سازماندهندگان احتکار و گرانفروشی در دولت - بستی، خود در این توطئه براندازی شرکت می‌کنند و اکنون هم با ریختن خاک به چشم زحمتکشان، که گویا آنها با هیاهو و شعار مشغول "مبارزه قاطع" با گرانفروشان هستند، به این تسلیم طلبی فاجعه انگیز خود ادامه می‌دهند!

در هفته‌ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۳

قضایی با آقای زعیم که هم محترک است و هم ضد انقلاب و بیماری احتکارش مزمن هم هست چه می‌کند. اینهمه کالای مورد نیاز مردم را ایشان از کجا آورده؟ خانه ۱۵۰۰ متری را چگونه تهیه کرده است و ...

فراموش نشود؛ تنها راه حل همان است، که حزب توده ایران بارها و بارها گفته و تکرار کرده است. اگر بخواهیم از مرحله حرف به مرحله عمل قدم بگذاریم و خواهان مبارزه با گرانفروشان و محترکین باشیم، یگانه راه، کوتاه کردن دست سرمایه داران وابسته، از راه اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی و تعاونی توزیع و کنترل مردمی بر بخش خصوصی است.

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از غارت سرمایه‌داران بزرگ، دلالان و محترکان است

در هفته‌ای که گذشت:

بشماری از هیئت‌های هفت نفری تقسیم زمین بوده است، در پاسخ به سوالی درباره مسئولین "تخلفات در مورد آهن" - آقایان پوراستاد، خاموشی، شفیق و حسینی - می‌گوید:

"این آقایان تقاضای تجدید نظر کرده‌اند که دادگاه تجدید نظر ۵۰۰ هم تشکیل شده و پرونده تحت رسیدگی است ۵۰۰ و من امیدوارم، با این اطلاعی که دارم، این مسئله در همه ابعاد بیهود (!) یابد" (اطلاعات، ۲۷ تیر). فردای این مصاحبه، در رسانه‌های گروهی اعلام می‌شود که دادگاه‌های تجدید نظر بنا به حکم شورایی عالی قضایی در سراسر کشور منحل است (اطلاعات، ۲۸ تیر).

مشکل بتوان باور کرد، که آقای رئیس دیوان عدالت اداری، از نتیجه این تصمیم ناآگاه بود، که موافقت با ارجاع پرونده "این آقایان" به دادگاه تجدید نظر، عملاً رسیدگی به جرائم آنها را تعویق به محال می‌کند.

آقای رئیس دیوان عدالت اداری نمی‌تواند از پاسخ به سوالی، که زحمتشان دارند و خبرنگار روزنامه آنرا مطرح می‌کند، شانه خالی کند، حتی اگر از ریاست دیوان عدالت اداری به شورای نگهبان انتقال یابد! سوال اینست: آیا نهاد های قضایی ج ۱۰۱۰ - ق داد در نهاد سازماند هندگان اصلی احتکار و گرانفروشی و دزدان اصلی را به سزای اعمالشان برسانند؟ پاسخ منفی است!

این غارتگران که دارای مناصب بالائی در حاکمیت ج ۱۰۱۰ هستند، و بر کرسی های مجلس و معاونت وزارت و شرکت های دولتی تکیه زد مانده، منفور مردم انقلابی ما هستند و به همین خاطر مردم منتظرند که مقامات قضایی کشور با محاکمه علنی و خلع ید از اموال آنان، احقاق حق نمایند. در صورتیکه مردم با اقداماتی که در نقطه مقابل خواست هایشان است، رویرو هستند.

این مقامات که در سرکوب مدافعان دگراندیش انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما فعالیتند و دائم رجز خوانی میکنند، در مقابل غارتگران، و غارتگری آنها لنگ انداخته اند!

دو صد گفته چون نیم کردار نیست!

مسئله گرانی و احتکار، در هفته گذشته نیز در صدر مسائل بود که هم مسئولین و هم رسانه های گروهی، طی گفتارها و مقالات گوناگون بدان پرداخته و هر يك كوشیدند به فراخور حال و دیدگاه طبقاتی خود، برای آن راه حل هائی ارائه دهند. از جمله روزنامه "اطلاعات در تاریخ، ۲۸ مرداد ۶۲، در ستون "یادداشت" به درج، مقاله ای تحت عنوان "دو صد گفته چون نیم کردار نیست" پرداخت، که طی آن نویسنده کوشیده است بنوبه خود راه حل معضل گرانی را نشان دهد. وی می‌نویسد:

"واقعیت این است که در مورد حل مسأله گرانی و احتکار هم به گرانفروشان و مجتکریین بسیار هشدار داده شده و هم مردم وعد ههای بسیار شنیده‌اند. . . ."

مقاله سپس به گفته ۲ سال پیش رئیس داد-

بقیه در صفحه ۱۳

سقوط " کند. به نظر آقای الهی " خسارات جانی و مالی " به شهر عراق در اثر آن خواهد بود، که " ضمن سقوط شهر، خود ارتش عراق شهر را تخریب می‌کند و خسارات جانی و مالی بوجود می‌آورد. بدنبال " سقوط " شهر عراق سناریو از " وحشت زدگی " کشورهای حوزه خلیج فارس " صحبت می‌کند، که " به بهانه وحشت از آینده خود و عدم وجود " امنیت " در مقابل باصلاح توسعه طلبی ایسران، از ایالات متحده آمریکا تقاضای کمک و حمایت نظامی می‌کنند. آمریکا هم از موقعیت استفاده کرده و نیروهای (خود را) به خلیج (فارس) آورد و وارد ایران می‌کند."

آقای سناریو نویسنده، که این سناریو را نه علیه امپریالیسم آمریکا، بلکه علیه حزب توده ایران و اتحاد شوروی نوشته است. البته به بهانه " کودتای کمونیستی " حزب ما، پای اتحاد شوروی را هم به میان می‌کشد و ارتش سرخ را هم وارد معرکه می‌سازد.

ولی کیست، که نبیند، که این سناریو، که با فرمان حمله و تسخیر يك شهر عراق آغاز می‌شود و به دخالت نظامی امپریالیسم آمریکا در ایران منجر می‌شود، به مسئولیت چه کسانی به جریان می‌افتد و به نفع کدام نیروهای امپریالیستی تمام می‌شود.

از تاریخ نوشتن این سناریو چند هفته پیش گذشته است، که عناصر دیگری از تدارک شرایط اجرای آن ایجاد شده‌اند. از جمله باید تبلیغات رسانه‌های گروهی امپریالیستی را، در هفته از آغاز مانورهای نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس، بر شمرده، که مدعی شده‌اند، که گویا " خلیج فارس توسط دولت ایران مین گذاری شده است."

این تبلیغات همزمان است با اظهارات استون، یکی از معاونین وزارت امور خارجه آمریکا، که در مورد مانور دریایی آمریکا در دریای کارائیب بیان کرد، که این مانور می‌تواند از هدف اولیه خود نیز فراتر برود و از جمله به پیاده کردن نیرو در کشورهای آمریکای مرکزی نیز بپردازد.

همچنین باید هشدار دولت ترکیه به ایران و عراق را در هیمن راستا دانست. دولت ترکیه برخورد های نظامی دو کشور ایران و عراق را در نزدیکی مرزهای خود و از این طریق به خطر افتادن لوله نفت کرکوک - ترکیه را وقایعی علیه به اصطلاح مصالح ملی ترکیه اعلام کرده است و هشدار داده است، که نمی‌تواند ناظر بی طرف این وقایع باقی بماند.

وعددهای سرخرمن یا تعویق به محال!

رئیس دیوان عدالت اداری، آیت الله امامی کاشانی، در مصاحبه رادیو تلویزیونی خود، به مناسبت انتقال به شورای نگهبان، ضمن اعلام کارنامه دیوان عدالت اداری و آراء صادره از سوی این دیوان، که عمدتترین آنها ابطال آراء-

امپریالیسم آمریکا در پی توسعه تشنج در منطقه است!

بدنبال اعلام انجام مانورهای نظامی از طرف آمریکا و هم پیمانانش در منطقه خلیج فارس و شرق مدیترانه، و خطرانی که این اقدامات امنیت و صلح منطقه را تهدید می‌کند. و همچنین در پی عملیات نظامی اخیر ج ۱۰۱۰ در جنگ با عراق و مسائل و موضعگیریهای مطرح شده پیرامون آن، اوضاع در این منطقه حساس تر شده و خطر وسعت گرفتن تشنج موجود و کشنده شدن کشور های دیگری به این جنگ افزایش یافته است.

سختگویی وزارت امور خارجه آمریکا، در پی بخش شایعاتی مبنی بر مین گذاری در خلیج فارس، اعلام کرده است، که آمریکا " مصمم است تدابیری برای تأمین کشتی رانی آزاد در خلیج فارس " اتخاذ کند.

وزارت امور خارجه ترکیه نیز اعلام کرده است، که در صورت صدمه دیدن لوله های نفتی عراق، که به خاک ترکیه منتهی می‌شود، ساکت نخواهد نشست و به این طریق بطور ضمنی به ج ۱۰۱۰ هشدار داده است.

این اولین باری نیست، که امپریالیسم آمریکا " تأمین منافع حیاتی " خود را بهانه لشکر - کشی به منطقه و ارباب کشورهای آن قرار داده است.

امپریالیسم آمریکا که خود برانگیزنده تشنجات و آتش خصومت ها در منطقه بوده است، همواره کوشش کرده و می‌کند تا با براه افنداختن " دیپلماسی قاتی تویدار " و تهدید نظامی، از این تشنجات به سود خود استفاده کسر. در جریان اوضاع را به سود خود تثبیت کند.

سیاست تهدید نظامی آمریکا در خدمت حفظ منافع غارتگران امپریالیسم در منطقه و در جهت استراتژی عمومی آن در جهان است.

سناریوی يك توطئه

اخیرا شخصی بنام دکتر همایون الهی در روزنامه اطلاعات (۱۳ تیر) سناریوی توطئه دخالت نظامی آمریکا را در ایران ترسیم کرده بود.

وی کوشیده بود، این سناریو را با يك من سریش حيله و دروغ به حزب ما بچسباند و به آن تیتسر " کودتای کمونیستی " بزند. با کنار گذاشتن این تهمت ساواکی و سا واجائی و بیرون کشیدن هسته مرکزی این سناریو، برنامه دخالت نظامی آمریکا در ایران از زبان آقای الهی از پرده بیرون می‌افتد.

با وقوع " اتفاقی "، که " وسیله برای بر- انگیختن افکار عمومی مردم جهان بر علیه ایران " باشد، سناریو آغاز می‌شود. به گفته آقای الهی يك چنین " اتفاقی " می‌تواند آن باشد، که " يك شهر عراق بدست رزمندگان اسلام . . ."

وخامت به نقطه غلیان نزدیک می شود

فشار ایالات متحدۀ آمریکا بر کشورهای آمریکای مرکزی، و دخالت آشکار در امور داخلی این کشورها روز بروز تشدید می شود. اینک آماج اصلی شانناژ سیاسی و نظامی، نیکاراگوئه است. ریگان رئیس جمهور آمریکا در یکی از آخرین سخنرانیهای خود، بدون پرده پوشی، از محاصره دریائی این کشور صحبت کرد. این امر دست دولت هند و راس و پاندهای مزدور سوموزا را برای هجوم همه جانبه به نیکاراگوئه باز می کند. وظایف کمکهای نظامی، که تا کنون آمریکا به هند و راس و مزدوران سوموزا میکرد، برای دستیابی به هدفهای نظامی علیه دولت انقلابی نیکاراگوئه، کافی نبوده است. و اکنون خطر درگیری مستقیم نظامی میان هند و راس و نیکاراگوئه بسیار تشدید میشود. بخصوص که هند و راس به آخرین ابتکارات نیکاراگوئه برای حل مسالمت آمیز مسائل موجود میان دو کشور، پاسخ منفی داد و پیشنهاد انعقاد قرار داد عدم تجاوز را رد کرد.

نیکاراگوئه انقلابی، با ارائه این پیشنهادها، هم احترام خود را نسبت به کوششهای گسرو و کنتادورا (مکزیک - سونزولا - کلمبیا - پاناما) نشان داد و هم صداقت خویش را بر سرای برداشتن گامهای مشخص برای کاهش وخامت اوضاع بمرض نمایش گذاشت. امتناع هند و راس از پذیرش این پیشنهادها، در واقع موضع اربابهای ایالات متحده آمریکا را منعکس می کند که می خواهند مسائل آمریکای مرکزی را با فشار نظامی حل کنند.

البته دولت آمریکا دست به هرگونه مانورهای دیپلماتیک هم میزند تا هدفهای اصلی خود را پنهان کند. اما حتی در خود آمریکا هم اظهار تردید میکنند که تشکیل کمیسیون دوحزبی بر ریاست هنری کیسینجر معلوم الحال می تواند منجر به آراش افکار عمومی در آمریکا گردد که پیوسته آگاهانه تر در مقابل سیاست دولت خود مبنی بر تشدید دخالت نظامی در منطقه می ایستد. بلافاصله پس از تشکیل این کمیسیون، رئیس جمهور آمریکا هشت کشتی جنگی را روانه سواحل نیکاراگوئه در اقیانوس کیسپر کرد. و خواهان افزایش کمکهای نظامی به رژیم السالوادور شد و مانورهای تازه به همراه ارتش هند و راس را اعلام نمود و به این ترتیب آشکارا نشان داد که از کمیسیون کیسینجر چه توصیه ها تیرا انتظار دارد. البته اعزام کشتیهای جنگی را بعنوان "نمایش پشتیبانی از دوستستان دولت آمریکا در منطقه" توجیه کردند، اما آیا واقعا صحبت بر سر یک "نمایش" است؟

با در نظر گرفتن وضع فوق العاده وخیم منطقه و امتناع خشونت آمیز هند و راس از شرکت در مذاکرات برای جستجوی راه حل سیاسی، نگرانی از آغاز تجاوز واقعی کاملا منطقی است. ضمنا فرستاده ویژه رئیس جمهور آمریکا، از نو مسافرت خود را در کشورهای گروه کنتادورا، با پیامهایی از جانب ریگان آغاز کرد. است. در واقع ایالات متحده آمریکا از مدت ها پیش، بطور پنهانی فشار شدیدی، بر برخی از کشورهای

شناد و اعمال می کند تا پیشنهاد های سیاسی آنها را بعنوان ذخیره های در کنار سیاست شانناژ خود، در دست داشته باشد.

تا چندی پیش تر اصلی واشنگتن بر آیی توجیه اعمال فشار علیه نیکاراگوئه، این بوده که گویا میخواهد مانع ارسال کمک از جانب این کشور، برای پارتیزان های السالوادور بنماید. البته تا امروز هنوز هم دلیلی که حاکی از ارسال اینگونه کمک ها باشد، بدست نیامده است و باین جهت نحوه تبلیغات آمریکا هم تخیل کرده است. اکنون گفته می شود که یکی از هدفهای اصلی سیاست ایالات متحده آمریکا در منطقه، کوشش برای خفه کردن انقلاب ساند نیستی است تا بدین ترتیب ضربه های برگزینهای ضد امپریالیستی و آزاد یخواهانه در میان دیگر خلقهای آمریکای مرکزی وارد شود.

معلوم می شود که هنوز تجربه تاریخی، به ایالات متحده آمریکا نیاموخته است که در آمریکای لاتین میتواند خود را با درگونیهای در حال تکوین، تطبیق دهد و یا مقابله با آنها بر خیزد. اما هیچگاه نمی تواند بطور کامل جلوی تحقق آنها را بگیرد. بدین معنی، افزایش دخالت نظامی در منطقه، بدون دورنماست. اما این خطر بطور جدی وجود دارد که این درس تاریخی تازه به بهای دهها هزار قربانی دیگر بدست امپریالیسم آمریکا بدست آید.

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

گاه امور صنفی، آقای ناظم زاده اشاره می کند که گفته است، دادگاه تا کنون نزدیک به یکصد میلیون تومان، متخلفین را جریمه کرده است، و ادامه می دهد:

"از ۲ سال پیش تا به امروز نه تنها احتکار و گران فروشی کمتر نشده است، بلکه شدت هم پیدا کرده. احتکار و گرانی مثل مویانه پیکره انقلاب را می خورد و بیشترین آسیب را در این معرکه طبقات کم درآمد تحمل می کنند و نکته قابل ملاحظه این است که همین طبقات کم درآمد یاران انقلابند."

نویسنده برای اینکه بی ثمر بودن جریمه را، علی رقم ارقام میلیونی آن نشان دهد، می گوید:

"شاهد از غیب رسید! ما مورین کلاتری ۱۲ تهران در خانه ای واقع در خیابان کارگر حدود ۷ میلیون تومان چینی آلات احتکار شده کشف کرده اند. صاحب خانه که شکرالله زیم نام دارد و خانه اش هم ۱۵۰۰ متر است، قبلا نیز هزار چرخ خیاطی را احتکار نموده، گذشته از احتکار به شهادت آقای امانی همین جناب محتکر،

فردی ضد انقلاب هم هست که حدود ۲۰ سال پیش تحویل دادگاه انقلاب امور صنفی داده شده بوده است. لاید جریمه ای پرداخت کرده و دوباره، روز از نو، روزی از نو!

و اضافه می کند:

"چنانکه پیدا است، جریمه نمک زندگی محتکرین و گران فروشان شده است."

و نتیجه می گیرد:

"فردی که در سال و یا در یک قلم احتکار میلیونها تومان به جیب می زند، پرداخت یکی دو میلیون تومان بر دامن او گردی نمی نشاند. لاید آن جناب را یادتان هست که حدود ۱۳۰ میلیون تومان محکوم شده بود که پرداخت کند، کاشف به عمل آمده بود که آن جناب، تصادفا اشتباه کرده بوده و برای رفع سوء تفاهم ۱۰ میلیون تومان هم اضافه داده بود."

متأسفانه نویسنده، یادداشت "طیبرغم نظرات درست خود و دیدن نقاط ضعف، در انتهای مقاله، آنجا که به ارائه راه حل می پردازد، یکباره از نفس می افتد و از حرکت باز می ایستد. وی که در توصیف اوضاع فعلی از خود استادی نشان میدهد، آنجا که وقت عمل است نه از موضع یک انقلابی، بلکه از موضع یک مشاطه گر سرمایه داری به مسئله می نگرد.

خواننده "یادداشت"، که بکلمه مقاله نویسنده چالها را دیده است ناگهان خود را در قفس

چاه "راه حل" می یابد، زیرا که راه حل های پیشنهادی، باز هم سرایی بیش نیست و کوچک ترین رابطهای یا ریشه و علت معضل گرانی و احتکار ندارد. وی بجای اینکه به ضرورت کنترل دقیق توزیع داخلی از سوی دولت بپردازد و لزوم اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی را گوشزد نماید، "نظارت دولت بر انبارهای بزرگ" را کافی میدانند و فراموش می کنند، که "آقای شکرالله زیم" اجناس احتکاری را نه در "انبار بزرگ" بلکه در "خانه ۱۵۰۰ متری" خود انبار کرده بوده است!

وی همچنین حل مشکل را ظاهرا از روی انجام وظیفه، فقط توسیله دستگاه قضایی قلمداد می کند. البته در ضمن این ارائه طریق، شک خود را درباره مؤثر بودن عملکرد دستگاه قضایی ابراز می کند و می گوید:

"دزد حاضر و بز حاضر! بینیم دستگاه

بقیه در صفحه ۱۱

توجه

به علت انباشت مطالب این شماره "راه" توده، مقاله "انقلاب مشروطه" که به مناسبت سالگرد انقلاب مشروطیت ایران نوشته شده است، به شماره آینده موکول میشود.

مارمولک های سرمایه داری

مارمولک وار از همه امکانات برای غارت مردم مددیگیرند .

یک نمونه این شیوه جنتا پیکاران فارنگران را میتوان از مطالبی دریافت که مسئولان " کمیته جمع آوری و فروش کالاهای متروکه در گمرکات کشور " در گفتگو با روزنامه اطلاعات (۲۶ و ۲۷ تیسر ماه) اظهار کردند .

در گفتگوی مذکور، آقای محمد فیض مدیر اجرایی این کمیته پس از ذکر این مطلب که جمع آوری کالاهای متروکه (کالاهایی که مدت قانونی استخلاص گمرکی آنها سرآمده و " صاحبانش " برای پرداخت گمرک و خروج آن از انبارهای گمرک، اقدام نکرده اند) به همراه کالاهای قاچاق، بلاصاحب و غیر مجاز موضوع فعالیت این کمیته است، به انباشت کالا در انبارهای گمرکات بنادر جنوب که بحد " انفجاری " رسیده است، اشاره می کند، و در مورد حیلۀ " سرمایه داران برای وارد کردن اجناس ممنوع، چنین توضیح میدهد، که " بطور کلی بعد از موضعگیری اخیر اقتصاد دی ایران (منظور اعلام غیر مجاز بودن ورود بعضی کالاهای) ۰۰۰ یک سری کالا دیگر وارد نمی شود، منتهی از راه رسمی وارد نمی شود، بلکه قاچاق این کالاهای " جریان دارد . . . به عبارت دیگر " تجار محترم " و مخالفان بازگانی

سیاست " درهای باز " که از سوی دولت ج ۰۱۰۰ و به قیمت تاراج دلارهای نفتی توسط امیربالیست ها برای ورود کالاهای کشورهای امیربالیستی بعورد اجرا گذاشته میشود، غارت زحمتکشان را تشدید کرده است .

در پشت این " سیاست " سرمایه داری وابسته تجاری قرار گرفته است، و بمدد مباشرتیش که در مناصب وزارت و ریاست ارگانهای دولتی جاخوش کرده اند، غارت خود را سازمان میدهد . " سرمایه های سرگردان " نیز، که با وجود تمام پند و اندرزهای " صاحبین "، تمایل به سرمایه گذاری در تولید ندارند و فقط بدنیال سودهای کلان از راههای قاچاق و اختکار و خرید و فروش هستند، وسیله مالی اجرای این " سیاست " را تشکیل میدهند .

این " سیاست " که از همان اوان انقلاب، به وسیله نمایندگان بورژوازی لیبرال بعورد اجرا گذاشته شده، از دو سال پیش امکان اجرایی عملی وسیعی یافته است و اکنون قیامی توجیه آید - لویک نیز بر تن دارد، و مدعی است که گویا برای رفع کمبودهای مملکت و رسیدن کالا بدست " مستضعفین " اجرا می شود .

این " سیاست " راه را برای انواع حیلها و غارتگری های سرمایه داران باز می کند، که

خارجی دولتی برای یافتن راه فرار از قانون ممنوعیت ورود بعضی کالاها، مارمولک وار در جستجوی راههای " نیمه مجاز " بر می آیند. آنها پس از تهیه فرم های خرید برای کالاهای مجاز به خارج کردن ارز دلارهای نفتی، بطور رسمی و با قیمت دولتی می پردازند و به دولت " کلک زده " و با این ارز به چنگ آورده شده، بجای کالای مجاز، اقدام بخريد کالاهاى غير مجاز می کنند. و چون این کالاها بطور قانونی ترخیص نمی شوند، " کلک " دیگری را بکار می گیرند و آنقدر صبر می کنند و به گمرک مراجعه نمی کنند، تا کالا " متروکه " اعلام شود . با این دو " کلک "، که هر دو به کمک عدم اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و عدم اجرای بازگانی خارجی دولتی ممکن بوده است دست قاچاقچیان و حامیانشان باز می شود. آنها به کمک حامیان خود، در وزارتخانه ها و ادارات مربوطه کالاهای را بدون صاحب اعلام می کنند .

آقای محمد فیض در این مورد چنین می گوید: " بطور کلی کالا تا زمانی که متروکه نشده، صاحب دارد . اما وقتی متروکه شد از همه طرف به آن هجوم می آورند و فکر می کنند این کالا دیگر بی صاحب است " .

اکنون راه برای ترخیص " کالاهای غیرمجاز "، که در این بین به " کالاهای متروکه " تبدیل شده است و ظاهرا صاحب ندارد، بطور قانونی باز شده است . " کالاهای متروکه " به حراج گذاشته میشود و بطور اتفاقی !! (حتما قسم هم می خورند!) " دستفروشی " می آید و جنس " حلال " را می خرد!

آقای محمد فیض این نکته را چنین توضیح می دهد:

" نمونه آنرا الان در گمرک زاهدان می بینید. مشاهده کنید، که چند صد عدل لباس فقط به یک دستفروش فروخته شده است " .

در تأیید همین نظر، عضو دیگر این کمیته، آقای حجت الاسلام سید محمد رضوی، نماینده دادستانی در کمیته، نیز به این مسئله اشاره کرده و بعنوان مثال می گوید:

" از جمله عملکرد بنیاد ۱۵ خرداد در گمرک زاهدان (آنست) ۰۰۰ که کالاهای قاچاق و ضبطی و غیره را ۰۰۰ ترخیص می کنند و می فروشند " .

اکنون روشن میشود، که چرا سرمایه داران " محترم " و " متدین " با تجارت خارجی دولتی مخالفتند! زیرا دولت، که دیگر بخودش " کلک " نمی زند، که کالاهای غیر مجاز وارد کنند و آنرا متروکه اعلام کند و ارزان به حراج بگذارد، تا خودش باز آنرا بخرد!

قسم های " غیر شرعی " بودن اصل ۴۴ قانون اساسی و تجارت خارجی دولتی توسط اکثریت فقهای شورای نگهبان و سنگ " آزادی تجارت " که آقای عسگر اولادی و شرکاء به سینه می زنند، همه و همه برای آزاد گذاشتن دست همسین مارمولک های " محترم " و " متدین "، برای چپاول و غارت بیت المال است .

آنچه که اکثریت فقهای شورای نگهبان سنگش را به سینه می زنند، " موازین شرعی " این غارتگران است و بس! ●

چه کسی مداخله گراست ؟

اخیرا آقای ناراسیمها راثو، وزیر امور خارجه هند نیز از ایران دیدن کرد . اغلب مقامات مسئول ج ۰۱۰۰ در ملاقات با وزیر خارجه هند " مسئله افغانستان " را هم مطرح کردند و در تمام موارد نیز جواب خود را از وزیر امور خارجه هند شنیدند .

در قطعنامه های هم، که در پایان این دیدار صادر شد، " مسئله افغانستان " مطرح بود، اما بسا دو موضع متفاوت: یکی موضع مخرب دولست ج ۰۱۰۰ و دیگری موضع درست و منطقی هند، که بر مواضع جنبش عدم تعهد تکیه دارد . یکی مداخله در امور داخلی افغانستان را سیاست خود اعلام کرد و دیگری رفع مداخله خارجی در امور داخلی افغانستان را طلب نمود .

محافل در جمهوری اسلامی ایران، از این اقدامات دو هدف را دنبال می کنند:

یکی بزرگ کردن مسئله افغانستان به شکل انحرافی آن، و اخلال در مذاکرات ژنو، و دیگری کوشش برای تحمیل موضع ایران به کشورهای دیگر .

شایان توجه است که نمایندگان حاکمیت جمهوری اسلامی ایران برای " تعیین سرنوشت خلقها به دست خود " تنها در مورد افغانستان مطرح نیست . هم برای عراق قیسم تعیین می شود، هم برای فلسطین و هم (بصورت کم و بیش خجولانه) برای تمام دنیا! ●

مداخله مداوم

بقیه از صفحه ۶

این جاسوس آمریکا، در مورد افغانستان پر سیاست خارجی آن حاکم است، نه تنها هیچ گامی در این جهت، جهت حل مسئله، بر نداشت بلکه بر عکس تبلیغات فراوانی نیز در جهت عکس آن و حتی به منظور اخلال در مذاکرات اخیر در ژنو، آغاز کرد .

جمهوری اسلامی ایران بارها اعلام کرده است، که حاضر نیست در مذاکراتی که " مجاهدین افغانی (آمریکایی) " در آن حضور نداشته باشند، شرکت کند . زیرا این جمهوری با اصطلاح خواهان آنست، که مردم افغانستان باید خود سرنوشت خویش را تعیین کنند .

این مسئله در تمام دیدارهای سیاسی نیز که از ایران صورت می گیرد، مطرح شده و سعی می شود در قطعنامه های پایانی این دیدارها نیز بندی راجع به افغانستان قید گردد .

در پایان سفر وزیر امور خارجه بنگلادش به ایران نیز، چنین قطعنامه ای صادر شد و دولت ج ۰۱۰۰ پارزیم کودتایی و آمریکازده بنگلادش، که عوامل موثر حاکمیت آن در سرنگونی دولت قانونی و ملی مجیب الرحمن دست داشته اند، در مورد افغانستان به نتیجه مشترک رسید .

محافل دمکراتیک بین المللی به پشتیبانی خود از حزب توده ایران ادامه می دهند

بقیه از صفحه ۷

مجلس توده و دنیوی، متعلق به حزب کمونیست فرانسه، که به دو زبان فرانسه و ارمنی منتشر میشود، طی مقاله‌ای در شماره ماه مه - ژوئن خود (خرداد ماه)، مقاله‌ای در مورد وقایع اخیر ایران و از جمله گردش به راست حاکمیت و در این چارچوب، بسط روابط اقتصادی با کشورهای سرمایه داری، انعقاد قراردادهای سیاسی - اقتصادی یا کشورهای ارتجاعی منطقه، از جمله ترکیه و گسترش زمینه‌های شوریستی و سپس سرکوب نیروهای پیگیر مدافع انقلاب، یعنی اعضای و هواداران حزب توده ایران، درج نموده و سب از پرداختن به تاریخچه مبارزات حزب و فعالین آن که سالیان سال از عمر خود را در سیاهچالهای رژیم دیکتاتوری شاه گذرانده و اینک دوباره گرفتار زندان و شکنجه دولت جمهوری اسلامی ایران گردیده‌اند، به شهادت رفیق گایگ آوانسیان در اثر شکنجه‌های وحشیانه دژخیمان اشاره کرده و خطری که جان رهبران و هزاران تن از توده‌های بازداشت شده را تهدید می‌کند، تشریح کرد.

● فد راسیون حزب کمونیست فرانسه در ناحیه

ضمن مخابره تلگرافی به سفارت ج ۱۰۱۰ در پاریس ابراز داشته است.

● هفته نامه تراوایر آلین، چاپ گرونیول، طی مقاله‌ای که بناسیت رویدادهای اخیر ایسران، درج نموده است، به خطری که جان رهبران حزب توده ایران را تهدید می‌کند، اشاره کرده و از خوانندگان نشریه خواسته است صدای اعتراض خود را بمنظور کوتاه کردن دست های جلاد، بلند کنند.

● غرقه حزب توده ایران، در جشن محلی حزب کمونیست فرانسه در شهر سن ایتین که در روزهای هیجدهم و نوزدهم ماه ژوئن (۲۸ و ۲۹ خرداد ماه) برگزار گردید، مورد استقبال شرکت کنندگان قرار گرفت و بازدیدی کنندگان از غرقه با دادن امضا و کمک مالی، همبستگی خود را با حزب توده ایران و مبارزین توده‌های در بند، ابراز داشتند.

● در اوائل ماه ژوئیه (اواسط تیرماه)، اولین جلسه کمیته دفاع از زندانیان توده‌های در شهر مونپلیه، برگزار گردید. اعضای کمیته مذکور

را شخصیت‌های سیاسی و حقوقی و فرهنگی و پزشکان فرانسوی و نیز رفقای دیگر بترتیب زیر تشکیل میدهند:

رفیق بن عمار، نماینده حزب کمونیست تونس در مونپلیه، ب. تورله، مسئول کمیته ملی اتحادیه فرانسه - آلمان دمکراتیک و دنیا اسماعیل، نماینده حزب کمونیست لبنان و نماینده حزب کمونیست عراق

در این جلسه، بیانیه کمیته بدین شرح صادر گردید:

در حال حاضر نورالدین کیانوری و دیگر اعضای حزب توده ایران که در زندان بسر می‌برند، تحت شکنجه‌های وحشیانه قرار داشته و خطر مرگ، آنان را تهدید می‌کند. مقامات ایرانی قصد دارند، از برگزاری محاکمات علنی و قانونی در مورد این مبارزین، طفره روند. ما از مقامات جمهوری اسلامی ایران میخواهیم، که اجازه دهند گروهی متشکل از حقوقدانان و پزشکان متخصص به ایران عزیمت کرده و از وضع زندانیان از نزدیک آگاهی حاصل نمایند.

● در جشن ایسانکا، جشن روزنامه محلی حزب کمونیست فرانسه، شرکت کنندگان از غرقه حزب توده ایران بازدید نموده و ضمن امضای کارتهای اعتراضی برای ارسال به سفارت ج ۱۰۱۰ در پاریس و تأیید بیانیه کمیته دفاع از زندانیان توده‌های با حزب و مبارزین در بند آن و نیز تشکيلات دمکراتیک زنان ایران ابراز داشتند.

از جمله کسانی که حمایت خود را از حزب توده ایران، ضمن تأیید بیانیه فوق ابراز داشتند، آندره لازوانی، عضو کمیته مرکزی و مسئول فرانسویون حزب کمونیست فرانسه در مجلس ملی فرانسه و رنه آندریو، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه و سر دبیر روزنامه او مانیتیه ارگان مرکزی این حزب و پ. بالمیجر، نماینده مجلس ملی فرانسه بودند.

در این مراسم ویدئوی تلویزیونی "اعترافات" بنمایش گذاشته شد، که حاضرین را سخت تحت تأثیر قرار داد. در پایان، آندره لازوانی طی سخنانی، همبستگی حزب کمونیست فرانسه را با حزب توده ایران و مبارزین توده‌های اعلام نمود.



فرقه هواداران حزب توده ایران در جشن حزب کمونیست فرانسه در لیون

اعتراض گسترده جوانان و دانشجویان مرفی هندوستان، به بازداشت دانشجویان مرفی ایرانی در ترکیه و قصد تحویل آنان به دولت ایران

پرستان ایرانی و قطح روشهای سرکوب گرانه رادر مورد نیروهای مرفی در ترکیه خواستار گردیده‌اند. "راه توده": بدنیال اعتراضات بین المللی نسبت به دستگیری دانشجویان و نیروهای میهن دوست ایرانی در ترکیه، رژیم کودتایی این کشور مجبور شد از تحویل آنان به ایران خودداری کند طبق آخرین اخباری که به "راه توده" رسید است، این میهن دوستان از ترکیه خارج شده‌اند.

سازمانهای جوانان و اتحادیه‌های دانشجویی مرفی هندی و خارجی در سراسر هندوستان، طی نامه‌های ارسال به سفارت ترکیه در دهللی، نسبت به دستگیری دانشجویان و نیروهای میهن پرست ایرانی در ترکیه، شدیدا اعتراض نموده و اظهار داشته‌اند که تحویل این افراد به دولت ایران، خطر اقدام آنان را در بر دارد. این سازمانها، سپس آزادی قوری میهن

ایزر (شرق فرانسه)، طی مخابره تلگرافی به سفارت ج ۱۰۱۰ در پاریس تأثیر و انزجار عمیق خود را نسبت به سرکوب وحشیانه دمکراتها در ایران، ابراز و خواستار رفع ممنوعیت از حزب توده ایران و آزادی رهبران و اعضای آن و سایر دمکراتهای میهن پرست گردیده‌اند.

● بخش دانشگاهی حزب کمونیست فرانسه در ایزر نیز، مراتب اعتراض خود را نسبت به جنایاتی که در شکنجه‌گاههای ایران در حال تکوین است



اقیانوس هند باید منطقه صلح باقی باشد

کمیته ویژه سازمان ملل متحد برای اقیانوس هند، ایثروها نشست نویتی خود را برگزار کرد. دستور کار این جلسه بررسی تصمیم مجمع عمومی سازمان ملل پیرامون انعقاد یک قرارداد بین-المللی در باره اقیانوس هند تا نیمه اول سال ۱۹۸۴، و همچنین تبدیل آن به منطقه صلح بود.

گروه کشورهای غیر متعهد، پیشنهاد مشخصی مبنی بر آغاز کار این کنفرانس از ۴ ژوئیه ۱۹۸۴ (۱۳ تیر ۱۳۶۲)، در کلمبو پایتخت سری لانکا، ارائه داد.

اما این بار هم مانند گذشته، شرکت کنندگان با موضع گیری کارشکنانه نمایندگان کشورهای امپریالیستی مواجه شدند، که نگذاشتند قرار دعوت چنین کنفرانسی تصویب گردد.

باید بویژه تأکید کرد که موضع گیری ایالات متحده آمریکا، مانع عمده بر سر راه تشکیل کنفرانس بین المللی برای تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح است. پنتاگون، وزارت جنگ آمریکا، پیوسته حضور نظامی خود را در این منطقه گسترش می دهد. چهل کشتی جنگی آمریکا در آبهای اقیانوس هند در گشت و گذار هستند. سی پایگاه نظامی آمریکائی، از سواحل استرالیا گرفته تا آفریقای شرقی، از جمهوری آفریقای جنوبی گرفته تا خلیج فارس و پاکستان پراکنده شده اند. در مرکز این شبکه پایگاهها، جزیره دیگو گارسیا قرار دارد، که تکیه گاه عظیمی است برای نیروهای اتمی دریائی و هوائی ایالات متحده آمریکا؛ از این گذشته ستاد منطقه ای نیروهای مداخله سریع آمریکا در آنجا قرار دارد. قرار است موافق برنامه ریزی بمبوزدی تعداد این نیروها به ۲۵۰ هزار تن برسد. برای رهبری آنها مرکز فرماندهی ایالات متحده آمریکا بنام "سنت کم" بوجود آمده است.

واشنگتن که فرق در توهمات برتری جویانه است، میکوشد تسلط مطلق خود را بر منابع عظیم ثروت های طبیعی در این منطقه و همچنین بر راه های بازرگانی بین المللی که از آنجا میگذرند، برقرار کند. آمریکا می خواهد با توسعه حضور نظامی خود سدی در برابر گسترش جنبش های آزاد بیخش ملی بوجود آورد و مانع از تحکیم مواضع سیاسی و اقتصادی دولت های مستقل و نو استقلال در حوضه اقیانوس هند گردد.

طی جلسات کمیته ویژه سازمان ملل متحد برای اقیانوس هند، نماینده آمریکا میکوشید با سخنرانی های توخالی، موضع گیری کارشکنانه دولت خود را با انداختن گناه تشدید و خامت اوضاع در اقیانوس هند، به گردن اتحاد شوروی، توجیه کند. اما همه میدانند، که نه اتحاد شوروی،

بلکه ایالات متحده آمریکا از ادامه مذاکرات میان اتحاد شوروی و آمریکا پیرامون محدود کردن و کاهش فعالیت نظامی در اقیانوس هند امتناع کرد. طی این جلسات نماینده اتحاد شوروی اظهار آمادگی کرد، که در هر جا و هر زمان بدون شرایط قبلی حاضر است از نو این گفتگوها را دنبال کند.

به این ترتیب تنها ایالات متحده آمریکا و متحدانش هستند، که باید راه را برای مذاکرات، برای تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح بکشایند.

برای میهن ما ایران، مخصوص تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح و رفع شر نیروهای امپریالیستی اهمیت حیاتی دارد؛ زیرا وجود پایگاه های نظامی آمریکائی در نزدیکی سواحل جنوبی کشور، هم اکنون نیز خطر عظیمی برای استقلال و تمامیت ارضی میهن ماست. اما متأسفانه سران حاکمیت جمهوری اسلامی که بجای مبارزه قاطع ضد امپریالیستی، در دام مبارزه علیه "ابرها" گرفتار آمده اند، با طرح نظریاتی از قبیل یکسان جلوه دادن کمک برادرانه اتحاد شوروی به افغانستان در رفع تجاوز و مداخله سازمانهای جاسوسی امپریالیستی با حفسمور نظامی امپریالیست ها در اقیانوس هند و خلیج فارس، عملاً توجیه گر این حضور نظامی خطرناک شده اند.

ضیاء الحق می خواهد "نظام جدید" سیاسی برقرار کند

رئیس جمهور کودتائی پاکستان، خواست جنبش "اعاده دموکراسی در کشور" را، مبنی بر تعیین تاریخ برای انجام انتخابات عمومی رد کرد. ضمناً او اعلام نمود، که روز چهاردهم اوت (۲۳ مرداد)، طرحی در مورد برقراری یک "نظام سیاسی جدید" در پاکستان بر اساس "اصول اسلامی" اعلام خواهد نمود. ناظران سیاسی عقیده دارند که هدف ضیاء الحق قانونی کردن رژیم ضد دموکراتیک و ضد ملی موجود در پاکستان است، که بدنیال کودتای نظامی در سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) بر سر کار آمد.

توطئه ضد عربی آمریکا و اسرائیل

شامیر و آرنس، وزیران امور خارجه و دفاع اسرائیل که در واشنگتن بسر میبرند، با شولتز و واین برگر، وزیران امور خارجه و دفاع آمریکا ملاقات کردند. نمایندگان کاخ سفید سرسخانه از اعلام محتوای گفتگوهای انجام شده امتناع می کنند؛ ولی بدین ترتیب صحبت ها در اطراف مسئله لبنان و همکاری بعدی نظامی میان دو کشور بوده است.

امپریالیسم آمریکا در تبلیغات خارجی خود وانمود می کند که گویا میکوشد اسرائیل را به موافقت به عقب نشینی از خاک لبنان متقاعد کند، ولی در عمل طرفین مشغول طرح توطئه ضد عربی تازه ای علیه خلق لبنان و دیگر کشورهای عربی هستند.

طرح آرایش تازه نیروهای اسرائیل در لبنان، که سخنگوی دولت آمریکا گفته است که دولت

متبوعش مخالف آن نیست، در واقع نقشه تجزیه خاک لبنان و انضمام بخش جنوبی آن به خاک اسرائیل می باشد. عبارت دیگر دولت آمریکا شریک دولت اسرائیل در تجزیه خاک لبنان شده است.

شوخی نیست...!

در حاشیه سخنان نخست وزیر (کیهان ۱۹ تیر ۱۳۶۲)

"کشور ما روزی زیر پای آمریکا بود. امروز پای ملت ما روی سقف لانه جاسوسی است و به آمریکا در منطقه سیلی زد." - البته حاکمیت، به خاطر این که به سقف لانه جاسوسی جسارت شده، از شیطان بزرگ رسماً عذر خواهی کرد و بابت سیلی زده شد ۲۶ میلیون تومان خسارت داد!

"کارمندان دولت برای گذران زندگی مسافر کشی می کنند."

"بازاریان" مسلمان و متعهد هم برای گذران زندگی "شیره کشی" می کنند؛ یعنی شیره ملت را می کشند!

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در امئو (سوئد) هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در پاریس مبلغ ۳۰۰۰ فرانک بمنظور تأمین هزینه چاپ یک شماره "راه توده" پرداخت کرده بودند، که در شماره ۴۸ "راه توده" اشتباهاً به عنوان کمک مالی درج شده بود، بدینوسیله تصحیح می گردد.

RAHE TUDEH

No. 43

Friday, 5 August 83

Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
1	DM Italy	600	L.
France	3 Fr.	U.S.A.	40 Cts.
Austria	8 Sch.	Sweden	3 Skr.

